

ساختهان فعل در زبان تُركی

از دیدگاه زبان‌شناسی

دکتر نادر وزین پور

VERB STRUCTURE IN TURKISH

A LINGUISTIC SURVEY

BY

Dr. NADER VAZIN POUR

Tehran Iran

1969

فهرست مطالب

صفحه ه	
۱	۱) مآخذ عمومی به انگلیسی مآخذ مربوط به ترکی «اسلامبولی»
۲	۲) یادداشت
۳	۳) پیش‌گفتار
۴	۴) نظری کلی به ساختمان افعال ترکی
۵	۵) واژهای زبان ترکی آذربایجانی
۶	۶) جدول فنولوژیک صامت‌ها
۷	۷) جدول مصوت‌ها «ترکی آذربایجانی و قفقازی»
۸	۸) جدول مصوت‌ها «اسلامبولی»
۹	۹) مقایسه جدول مصوت‌ها
۱۰	۱۰) قوانین هماهنگی مصوت‌ها «قوانین عمومی»
۱۱	۱۱) قوانین خصوصی هماهنگی مصوت‌ها
۱۲	۱۲) ریشه‌ فعل
۱۳	۱۳) ریشه‌هایی که به مصوت ختم هی شوند.
۱۴	۱۴) مصدر
۱۵	۱۵) فعل - عناصر ساختمانی فعل
۱۶	۱۶) میانو ندهای گیفی
۱۷	۱۷) اقسام میانو ندهای گیفی
۱۸	۱۸) هماهنگی مصوت‌ها در میانو ندها

صفحه ۲۵	۱۹) هماهنگی مصوت‌ها در میانوند‌ها
۲۶ »	۲۰) عناصر اشتراقی فعل «بودن»
۲۶ »	۲۱) پی بند‌ها
۲۷ »	۲۲) الف - پی بند‌های زمان‌حال ب - پی بند‌های زمان‌گذشته
۲۸ »	۲۳) جدول ویژه صيغه‌امر
۲۸ »	۲۴) عناصر اشتراقی فعل «بودن» در اتصال به غیرفعل
۲۹ »	۲۵) مقایسه عناصر اشتراقی فعل «بودن» هنگام پیوستن به فعل یا غیرفعل
۳۱ »	۲۶) پی بند‌های فعلی زمان‌حال
۳۲ »	۲۷) پی بند‌های فعلی زمان‌گذشته
۳۵ »	۲۸) زمان افعال
۳۵ »	۲۹) الف - زمان‌حال - ساختمان‌زمان‌حال.
۳۶ »	۳۰) تقسیمات‌کیفی زمان‌حال - اقسام زمان‌حال
۳۸ »	۳۱) جدول زمان‌حال عادتی
۳۹ »	۳۲) ۱ - زمان‌حال عادتی
۴۱ »	۳۳) جدول زمان‌حال استمراری
۴۲ »	۳۴) ۲ - زمان‌حال استمراری
۴۴ »	۳۵) جدول زمان‌حال کامل
۴۵ »	۳۶) ۳ - زمان‌حال کامل
۴۷ »	۳۷) جدول زمان‌حال قصدی (آینده)
۴۸ »	۳۸) ۴ - زمان‌حال قصدی (آینده)
۵۰ »	۳۹) جدول زمان‌حال شرطی
۵۱ »	۴۰) ۵ - زمان‌حال شرطی
۵۳ »	۴۱) جدول زمان‌حال التزامی
۵۴ »	۴۲) ۶ - زمان‌حال التزامی

صفحة	٥٦	٤٣) جدول زمان حال كامل التزامي
	٥٧	٤٤) ٧ - زمان حال كامل التزامي
	٥٩	٤٥) ب - زمان گذشته - ساختمان و نشانه زمان گذشته
	٦٠	٤٦) تقسيمات كيفي زمان گذشته
	٦١	٤٧) جدول زمان گذشته ساده
	٦٢	٤٨) ١ - زمان گذشته ساده
	٦٤	٤٩) جدول زمان گذشته عادي
	٦٥	٥٠) ٢ - زمان گذشته عادي
	٦٧	٥١) جدول زمان گذشته استمراري
	٦٨	٥٢) ٣ - زمان گذشته استمراري
	٧٠	٥٣) جدول زمان گذشته كامل (ماضي بعيد)
	٧١	٥٤) ٤ - زمان گذشته كامل (ماضي بعيد)
	٧٣	٥٥) جدول زمان گذشته قصدى
	٧٤	٥٦) ٥ - زمان گذشته قصدى
	٧٦	٥٧) جدول زمان گذشته شرطى
	٧٧	٥٨) ٦ - زمان گذشته شرطى
	٧٩	٥٩) جدول زمان گذشته التزامي رجايى
	٨٠	٦٠) ٧ - گذشته التزامي رجايى
	٨٢	٦١) جدول زمان گذشته كامل التزامي
	٨٣	٦٢) ٨ - زمان گذشته كامل التزامي
	٨٥	٦٣) جدول صيغه أمر
	٨٦	٦٤) صيغه أمر
	٨٨	٦٥) بنای فعل متعدد
	٨٩	٦٦) متعددی کردن افعال متعددی

- ۶۷) قواعد متعددی کردن افعال « ۹۰
- ۶۸) متعددی دو درجه‌ای « ۹۲
- ۶۹) فعل مجهول « ۹۴
- ۷۰) اشتقاق مصدر « ۹۷
- ۷۱) مصدرهای هرکب « ۱۰۰
- ۷۲) نفی افعال « ۱۰۳
- ۷۳) نفی صیغه امر (فعل نهی) « ۱۰۶
- ۷۴) استفاده‌های افعال « ۱۰۸
- ۷۵) فهرست کلمات ترکی این کتاب با ترجمه فارسی آنها « ۱۰۹
- ۷۶) فهرست پاره‌ای از افعال متداول ترکی « ۱۱۲

۱ - مآخذ عمومی به انگلیسی :

- 1- H. A. Gleason , An Introduction To Descriptive Linguistics, Revised Edition.
- 2- Charles F. Hockett, A Course In Modern Linguistics.
- 3- André Martinet, Elements Of General Linguistics,
« ترجمه از فرانسه »

۲ - مآخذ مربوط به ترکی « اسلامیولی »:

- 1- G. L. Lewis, Teach Yourself Turkish.
- 2- Dr. Ragip Ösdem, Türk Dili Semineri Çalışmalarından.
Travaux Du Séminaire De Philologie Turque.

یادداشت

در این فرصت از راهنمایی های گرانبهه‌ای جناب آقای دکتر محمد مقدم استادورئیس گروه زبانشناسی همگانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و باری های آقای دکتر هرمز میلانیان استادیار دانشکده ادبیات سپاسگزاری می نماید .

نادر وزین پور

۱۳۴۷ فروردین ماه

پیش گفتار

دیر زهانی می‌اندیشیدم که ممکن است بما تحقیق در ساختمان افعال زبان ترکی بتوان قواعدی برای افعال این زبان تهیه و تدوین کرد ، تا سرانجام پس از بررسی های طولانی ، عوامل سازنده افعال و نقش آنها و بسیاری نکات دیگر به شیوه علمی هشخوص شد و قواعد دستوری ثابتی بدست آمد که در این کتاب به نظر علاقمندان می‌رسد .

مباحث این کتاب مطابق اصول زبانشناسی توصیفی تنظیم شده است و از این سبب ممکن است برای آنان که به دانش زبانشناسی آشنایی نداشته باشند مفید واقع نشود ، اما به هلا حظه این که بعداً تشریح و توضیح این موضوعها بطوریکه برای عموم سودمند افتاد کاری دشوار نخواهد بود ، ترجیح داده شد که این تحقیق ، نخست در سطح علمی انجام بگیرد .

در این مطالعات مآخذی که موجب آسانی کار شود و به تهیه قواعد یاری کند در دسترس نبود و خوشبختانه همین امر موجب شد که منبع اصلی تحقیق ، خود زبان ترکی قرار بگیرد و قواعد مستقیماً از خود زبان بدست آید .

با این که این کتاب در بخش زبانشناسی دانشکده ادبیات تهران بررسی و تصویب شده است ممکن است خالی از اشتباههایی نباشد ، از این قرار موجب نهایت سپاس خواهد بود اگر محققان گرامی نکات لازم را یادآوری کنند تا بدین وسیله گام های دیگری در راه تکمیل این مباحث برداشته شود .

نادر وزین پور

تهران - فروردین ماه ۱۳۴۷

نظری کلی به ساختمان افعال ترکی

ساختمان افعال در زبان ترکی با بسیاری از زبانها تفاوت ویژه دارد. در ترکی ریشه فعل همواره ثابت می‌باشد و کیفیت انجام گرفتن فعل و زمان آن بامیانوند ها و پیسوند هایی مشخص می‌شود که گاه شماره آنها در ساختمان یک فعل به شش همیرسد. بدین ترتیب که از آوردن یک تاشش «مورفم» (۱) در دنبال ریشه، افعال مختلف با کیفیت انجام گرفتن مشخص و زمان معین بوجود می‌آید، و در این کتاب همین مسایل هورد بررسی قرار گرفته و وظیفه یک یک مورفم هایی که در تشکیل کیفیت و زمان افعال نقشی بعده دارند تعیین شده است.

فمول افعال گوناگون، طرز ترکیب مورفم‌ها و مرتبه هر کدام از آنها در یک ساختمان فعلی مشخص شده و تغییرات مورفم‌ها و سبب آن تغییرات از نقطه نظر زبانشناسی معین شده است.

از مطالب اساسی کتاب که در آغاز مطرح شده است موضوع هماهنگی مصوّتها (Vowel harmony) است و فرمولهای موضوعه جز در یکی دو حالت، فاقد موارد استثنائی است.

اکنون بدون ذکر نقش میانوندها و پی‌بند‌ها، تنها برای نشان دادن تعداد مورفم‌هایی که در ساختمان یک فعل بکار می‌روند چند مثال آورده می‌شود. در این مثال‌ها ($\hat{a}pár$ = بیر) ریشه فعل است و سایر مورفم‌ها هیانوند و پی‌بند و ادوات

-۱- **Morpheme** عبارتست از «کوچکترین واحد معنی دار» و چون اصطلاح

جامعی بددست نیامد این کلمه بکار رفت.

دیگر هستند که بعداً نقش هر یک مورد گفتشگو قرار خواهد گرفت.

âpâr - ir . دارد می برد. (زمان حال استمراری)

âpâr - ir - d - i . داشت می برد. (ماضی استمراری)

âpâr - ir - d - i - Lâr . داشتنده بردند. (ماضی استمراری)

(garak) âpâr - miš - ol - â - yd - i - Lar . (می باشند) بوده باشند. (گذشته کامل استمراری)

طبق مثال اخیر از بهم پیوستن هفت جزء ، یک ساختمان فعلی بوجود آمده است.

وأجهای (۱) زبان ترکی آذربایجانی

در ترکی ۹ صامت و ۲۱ صامت وجود دارد که مشخصات هر یک جداگانه مورد بحث قرار خواهد گرفت . برای نشان دادن تلفظ کلمات نشانه هایی انتخاب شده است که بیشتر شان منطبق بر نشانه هایی است که زبان شناسان برای نشان دادن صدای های مشابه در زبان های دیگر بکار می برند .
صامت ها : عبارتند از :

b	ب
p	پ
t	ت (۲)
g	ج
c	چ
x	خ
d	د
r	ر

-
- ۱ - واج عبارتست از کوچکترین واحد صوتی « بدون معنی » که می تواند تمایز دهنده معنی باشد (Phoneme) مانند پر (par) و بر (bar) در فارسی که پ و ب واج (Phoneme) هستند و با آنکه خود فاقد معنی می باشند ولی تمایز دهنده معنی هستند . همچنین pin (سنjac) و bin (ظرف بزرگ) در انگلیسی که p و b دو Phoneme (میباشند و موجب تمایز معنی شده اند .
- ۲ - در ترکی « ط » وجود ندارد .

z	ز (۳)
s	س (۴)
š	ش
γ	غ
f	ف
k	ک
g	گ
l	ل
m	م
n	ن
v	و
h	ه
y	ی

۳ - در ترکی ذ - ض - ظ هم وجود ندارد .

۴ - ث و ص هم نیست .

۱- جدول فنی لوڑیک صامت ها

لی	لب دندانی	دندانی	سفلیمده (صفیری)	پاشیده (تفشی)	(۱) مرکب	کامی	فرمکای	
بیواک	p	f	t	s	š	č	k	x
واکبر	b	v	d	z	ž	ȝ	g	ȝ
غذه	m	-	n	-	-	-	-	-

نکته - چهار واج $1 - h - r - y$ که هیچکدام واجی در مقابل ندارند ،

از جدول بالا خارج و مجزا می شوند و مشخصات هر یک از آنها بدهی نظر ااست :

دستوراتی دارای دستوراتی

ر لرzan y مسایو اک دیشکامی

۱- مشخصات واجههای هر کیف Δ و ∇ بر حسب تلفظی که بشیوه تهران یا تبریز

(و اصفهان) دارند بقرار زیر است :

$\check{c} = t \check{s}$	هر کب - پاشیده - بیواک	(تلفظ تهرانی)
$\check{g} = d \check{z}$	هر کب - باشیده - واکبر	(نلقظت تهرانی)

$\ddot{\epsilon} = t\ s$	مرکب - سفلیده - بیواک	(تلفظ تبریزی و اصفهانی)
$\ddot{g} = d\ z$	مرکب - سفلیده - واکبر	(تلفظ تبریزی و اصفهانی)

hushing	پاشیده	voiced	واکبر
affricate	مرکب	voiceless	بیواک
palatal	کامی	nasal	غند
velar	نرم کامی	bilabial	لبی
dental	دندانی	labio - dental	لب و دندانی
sibilant	صفیری		

۲ - جدول مصوت ها (ترکی آذربایجانی و قفقازی)

پیشین		پسین	
	غیر مدور	مدور	غیر مدور
بسته	i	ü	ı
نیم باز	e	ë	-
باز	a	-	â

نمونه هایی برای هر یک از مصوت ها

i = {	بسته high	غیر مدور unrounded	پیشین front
	ista		بخواه
	sil		پاک بکن
	ari		آب شو

e = {	نیم باز mid	غیر مدور unrounded	پیشین front
	ešit		بشنو
	get		برو
	de		بگو

a = {	باز low	غیر مدور unrounded	پیشین front
-------	------------	-----------------------	----------------

ak		بکار
kas		بُسر
bala		قنداق کن

$\ddot{u} = \left\{ \begin{array}{lll} \text{سته} & \text{مدور} & \text{پیشین} \\ \text{high} & \text{rounded} & \text{front} \end{array} \right.$		
$\ddot{u}z$		شنا کن
gül		بخند
čürü - d - ux.		بو سید یم .

$\ddot{e} = \left\{ \begin{array}{lll} \text{نیم باز} & \text{مدور} & \text{پیشین} \\ \text{mid} & \text{rounded} & \text{front} \end{array} \right.$		
ëp		بیوس
bël		نقسیم کن

$\acute{u} = \left\{ \begin{array}{lll} \text{بسـتـهـ} & \text{غـيرـمـدـورـ} & \text{پـسـيـنـ} \\ \text{high} & \text{unrounded} & \text{back} \end{array} \right.$		
sıñ		بشکن
tâñı		بشناس

$u = \left\{ \begin{array}{lll} \text{بسـتـهـ} & \text{مـدـورـ} & \text{پـسـيـنـ} \\ \text{high} & \text{rounded} & \text{back} \end{array} \right.$		
--	--	--

uč	پرواز کن
dur	برخیز
Oxu - d - um.	خواندم.

$o = \left\{ \begin{array}{lll} \text{نيم باز} & \text{مدور} & \text{پسین} \\ \text{mid} & \text{rounded} & \text{back} \\ \text{oynā} & & \text{بازی کن} \\ \text{Soy} & & \text{پوست بکن} \end{array} \right.$
--

$\hat{a} = \left\{ \begin{array}{lll} \text{باز} & \text{غیر مدور} & \text{پسین} \\ \text{low} & \text{unrounded} & \text{back} \\ \text{âl} & & \text{بگیر} \\ \text{bâx} & & \text{بنگر} \\ \text{yârâ} & & \text{بیا فرین} \end{array} \right.$
--

۳ - جدول مصوت ها (اسلامبولی)

پیشین		پسین	
	غیرمدور	مدور	غیرمدور
بسته	i	ü	ı
باز	e	ö (ê)	a
			o

مقایسه جدول مصوتها

با مقایسه جدول شماره ۲ (جدول مصوتها در ترکی آذربایجانی و قفقازی) با جدول شماره ۳ (جدول مصوتها در ترکی اسلامبول) مشخص می شود که تعداد مصوتها در ترکی آذربایجانی ۹ مصوت ، یعنی یکی بیشتر از مصوتها در اسلامبولی است و سبب این است که :

در ترکی اسلامبولی تقابلی میان مصوت a (باز - غیر مدور - پیشین) و ă (باز - غیر مدور - پسین) وجود ندارد و مصوتی که در اسلامبولی بصورت « a » نمایش داده می شود « باز - غیر مدور - پسین » است در تقابل با « ı » (بسته - غیر مدور پسین) . اختلاف مهم دیگری که از این امر ناشی می شود این است که در هورد مصوت های اسلامبولی برخلاف آذربایجانی نیم باز وجود نخواهد داشت .

قوانین هماهنگی مصوتها

۱ - قوانین عمومی هماهنگی مصوتها

الف - اگر هجای اول کلمه مصوت پسین داشته باشد ، در هجای بعدی نیز

باید یکی از مصوتهای پسین باید :

i, â, u, o → i, â, u, o

mân - dî - lâr. باور کردن

âtıl - ır - ix. داریم می پریم

tut - ur - d - ux. داشتیم می گرفتیم

goy - mu - sân. گذاردهای

ب - اگر هجای اول کلمه ، مصوت پیشین داشته باشد ، در هجای بعدی نیز

باید یکی از مصوتهای پیشین باید :

i, e, a, ü, ë → i, e, a, ü, ë

bil - ir - di - lar. هی دانستند.

de - miš - d - in. گفته بودی.

sap - ar - am. هی پاشم.

üz - ür - d - üm. داشتم شنا می کردم.

ël - müş - dü - lar. هرده بودند.

قوآنین خصوصی هماهنگی مصوتها

الف - درباره‌ای موارد پس از مصوت‌های غیرمدور، مصوت‌های غیرمدور می‌آورند:

$$i, e, a, ı, \hat{a} \rightarrow i, e, a, ı, \hat{a}$$

ب - پس از مصوت‌های مدور، مصوت‌های باز غیرمدور یا بسته مدور هی آورند:

$$\begin{matrix} ü, \ddot{e}, u, o \rightarrow \end{matrix} \left. \begin{matrix} a, \hat{a} \\ ü, u \end{matrix} \right\}$$

جدول کامل هماهنگی مصوت‌ها

â	میآید	پس از : ı ، â
e	میآید	پس از : e ، i ، a
ı	میآید	پس از : ı ، â
i	میآید	پس از : i ، e ، a
o	میآید	پس از : u ، â
ë	میآید	پس از : a ، ü
u	میآید	پس از : u ، â
ü	میآید	پس از : a ، ü
a	میآید	پس از : a ، e ، i :

طبق جدول بالا هرگاه در آخرین هجای ریشه فعل یکی از مصوتهای سمت راست وجود داشته باشد ، هنگام افزودن هرگونه میانوند و پی بند بدون استثناء مصوت سمت چپ مقابل ، در آن میانوند و پی بند دیده خواهد شد (مثالهای بیشتری خواهیم داشت)

نکته - مصوتهای میانوند ها و پسوندها تغییرات دوگانه یا چهارگانه پیدا می کنند تا با تغییرات خود بتوانند با ریشه فعل یا میانوند و پسوند های دیگر (قبلی) هماهنگی یابند ، زیرا اساس کلمات ترکی بر هماهنگی مصوتهای استوار است (۱) . این هماهنگی منحصر به فعل و اجزای ترکیبی آن نیست ، عموم اسمها ، صفت ها و غیره وقتی بیش از یک بخش داشته باشند مصوت هجای دوم آنها طبق قانون هماهنگی مصوتهای از مصوت هجای اول پیروی می کند :

<i>guri</i>	خشک
<i>âltı</i>	شش
<i>îzüm</i>	انگور
<i>âyâx</i>	پا
<i>uğuz</i>	ارزان
<i>goğâ</i>	پیر
<i>čerak</i>	ذان
<i>issi</i>	گرم
<i>ürak</i>	قلب

۱ - این نکات هنگام بحث پیرامون میانوندها و صرف افعال روشن تر خواهد شد .

ریشهٔ فعل

ریشهٔ فعل در ترکی صورتی ثابت و تغییر ناپذیر دارد که در تمام زمانها و صیغه‌ها همان شکل اصلی خود را حفظ می‌کند.

ریشه به تنها بی دارای نقشی آزاد (۱) نیست و کیفیت انجام گرفتن افعال و زمانهای آنها با میانوندها و پسوند‌های مشخصی که بدآنها می‌پیوندد تعیین می‌شود، هیاناوند‌ها و پسوند‌هایی که مصوت‌های آنها برای هماهنگی با مصوت آخرین هجای ریشه، تغییر می‌یابند و از آن پیروی می‌کنند.

gal - māx	(آمدن)	مصدر
gal	(بیا)	ریشه - امر
gal - ir - am.	(دارم می‌آیم)	زمان حال
gal - d - im.	(آمدم)	زمان گذشته
gal - ar - am.	(می‌آیم)	زمان حال
gal - ip - lar.	(آمده‌اند)	زمان حال کامل

ریشه‌هایی که به مصوت ختم می‌شوند.

هنگامی که بخواهیم به آخر ریشه‌های مختوم به مصوت میانوند‌هایی بیفزاییم که با مصوت شروع می‌شوند، این حالات و تغییرات مشاهده می‌شود:

۱ - اگر مصوت پایانی *a* - *â* - *e* باشد هنگام افزودن میانوند‌هایی هانند، *a* - *agâx* / *- âgâx* - *ar* / *- âr* - *a* / *- â*

۱ - ریشه با دوم شخص مفرد امر حاضر همشکل است و تنها نقش مستقل آن همین صیغه است.

بجای a و e مصوت « i » و بجای â مصوت « ۱ » و بعد از آین مصوتها و پیش از میانوند ها « y » آورده می شود :

ala - māx سرند کردن

ali - y - ir - am.

ali - y - ar - am.

ali - y - agâx-âm.

مقایسه شود با موردی که میانوند با مصوت شروع نشود :

ala - miš - am.

ala - d - im.

ye - māx خوردن

yi - y - ir - am.

yi - y - ar - am.

مقایسه شود با :

ye - miš - am.

ye - d - im.

ânnâ - māx فهمیدن

ânnî - y - ۱r - âm.

ânnî - y - âr - âm.

مقایسه شود با .

ânnâ - miš - âm.

ânnâ - d - im.

نکته - اما گاه در موردی که پس از اینگونه ریشه ها میاندهای ^۴ ir^۲ - یا ar^۲ - واقع شوند ، برای سهولت تلفظ مصوت پایانی ریشه حذف می شود و بهمین سبب « y » افزوده نمی شود .

ista - māx

خواستن

ist - ir - am.

ist - ar - am.

در مثال بالا چون مصوت ریشه (a) حذف شده است با دو میانوند فوق

» ظاهر نمی شود .

ولی با دو میانوند دیگر که با مصوت شروع می شوند - تغییرات یاد شده

ظاهر می گردد :

isti - y - aŷâŷ - âm.

isti - y - am.

۲ - اگر مصوت‌های پایانی ریشه « i » یا « I » باشد هنگام فروتندن میانوند

بر جای می هانند . در این مورد نیز « y » اضافه می شود :

gi - mây

پوشیدن

gi - ir am.

gi - ar - am.

مقایسه شود با موردی که میانوند با مصوت آغاز نشود :

gi - miš - am.

gi - d - im.

tâni - māx

شناختن

tâni - y - ir - âm.

tâni - y - âr - âm.

مقایسه شود با موردی که میانوند با مصوت آغاز نمی شود :

tâni - miš - âm.

tâni - d - im.

۳ - « U » و « Ü » در پایان ریشه ها باقی می مانند و پس از آنها « y »

هم می آید :

oxu - máx

خواندن

oxu - y - ur - ám.

oxu - y - ár - ám.

مقایسه شود با :

oxu - müš - ám.

oux - d - um.

čürü - máx

پوسیدن

čürü - y - ür - am.

čürü - y - ar - am.

مقایسه شود با :

čürü - muš - am.

čürü - d - üm.

مصدر

با افزودن پسوند ظابت mâx به ریشه فعل ، مصدر ساخته هی شود
مانند $\hat{\text{a}}\text{t}$ (ریشه یا امر = بیفکن) - $\hat{\text{a}}\text{t} - \text{mâx}$ (مصدر = افکنند) .
 goy - mâx - goy (مصدر = گذاردن) . (ریشه = بگذار) .

در برخی از گوشیهای ترکی آذر بايجانی (۱) ، پسوند مصدری بصورت $\text{mak} / \text{mâk}$ دیده می شود مانند $\text{mak} - \text{mak}$ - $\text{gül} - \text{mak}$ (خنده دیدن) - $\text{vur} - \text{mâk}$ (زدن) (۲)

-
- ۱ - مانند گوشیهای مردم میانه ، خلخال ، اردبیل و غیره .
 - ۲ - اشتقاق مصدر و مباحث دیگر راجع به مصدر در فصول آینده ذکر شده است .

فعل

عناصر ساختمانی فعل

میانو ند - پی بند

برای تشکیل فعل میانو ندها و پسوندهایی بکارمی روند^(۱) که هر یک جداگانه مور بحث قرار خواهند گرفت.

میانو ند های کیفی

اصطلاح «میانو ندهای کیفی»^(۲) برای میانو ندهای انتخاب شده است که بلا فاصله به ریشه فعل می دینند و کیفیت انجام گرفتن فعل را نشان می دهند.

این میانو ند ها وظیفه تعیین زمان را ندارند بلکه کیفیت انجام گرفتن فعل را بیان می دارند که فعل: عادتی، استمراری، کامل است یا غیر اینهاست. در مصوتهای این میانو ند ها هنگام پیوستن به ریشه فعل طبق قانون هماهنگی مصوتهای تغییراتی پدید می آید که بعداً به آنها اشاره می شود.

-
- ۱ - تنها در دوم شخص مفرد أمر حاضر میانو ند و پسوند وجود ندارد.
 - ۲ - چون اصطلاح جامع و مانع برای این ادوات بدست نیامد کلمه «میانو ند» انتخاب شد و بین مفهوم و نقش اینها با میانو ند های فارسی هیچگونه همانندی وجود نداشت.

اقسام میانوندهای کیفی

- ۱ - میانوند ir^4

با پیوستن این میانوند به ریشه فعل ، فعل استمراری بنا (۱) می شود . این میانوند مستقیماً به ریشه فعل می پیوندد (همه میانوندهای دیگر نیز همین طورند) و بر حسب صوت آخرین هجای ریشه فعل ، تغییر (۲) چهارگانه می کند :

- ir / - ir / - ür / - ur

gal - ir - am. دارم می آیم .

sât - ir - âm. دارم می فروشم .

üz - ür - am. دارم شنا می کنم

dur - ur - âm. دارم برمی خیزم

- ۲ - میانوند ar^2

این میانوند «کیفیت کلی و معکور و عادی بودن » فعل را نشان می دهد و زمان حال یا گذشتهای که با پیوستن این میانوند تشکیل می یابد ، زمان حال یا گذشته عادتی نامیده شده است . این میانوند دو گونه دارد : ar - / - âr - (تغییر دو گانه « الف »

gal - ar - am. می آیم

sât - âr - âm. می فروشم

۱ - نکات دیگر مر بوط به این میانوندها و میانوندهای دیگر در جدولهای زمانهای افعال بیان شده است .

۲ - کیفیت تغییرات میانوندها ضمن جدولهای زمانهای افعال ذکر شده است .

- ۳ - میانو ند^۴ - miš

این میانو ند نماینده انجام گرفتن کامل فعل است و در اول شخص مفرد و جمع حال کامل (ماضی نقلی) و تمام اشخاص گذشته کامل (ماضی بعید) بکار می رود و تابع تغییر چهار گانه هماهنگی صوتها است .

- miš / - miš / - müš / - muš

(مثالهای زمان حال کامل و گذشته کامل یکجا در پایین همین صفحه آمده است)

- ۴ - میانو ند^۴ - mi⁴

این میانو ند کیفی نیز برای تشکیل زمان حال کامل (در دوم شخص مفرد و جمع) بکار می رود و تغییر چهار گانه سی کند .

- mi / - mi / - mü / - mu

- ۵ - میانو ند^۴ - ip⁴

در سوم شخص مفرد و جمع زمان حال کامل بکار می رود و دارای تغییر چهار گانه است :

- ip / - ip / - üp / - up

: بنابراین میانو ندهای miš⁴ - mi⁴ - ip⁴ - در زمانهای حال و گذشته کامل بکار می روند .

gal - miš - am. آمده ام .

gal - mi - san. آمده ای .

gal - ip. آمده است .

sât - miš - âm. فروخته ام .

sât - mi - sâñ. فروخته ای .

sât - ip. فروخته است .

düz - müš - am. چیده‌ام.

düz - mü - san. چیده‌ای.

düz - üp. چیده است.

dur - muš - âm. برخاسته‌ام.

dur - mu - sâñ. برخاسته‌ای.

dur - up. برخاسته است.

۶ - میانوند^۲

این میانوند، میانوند «قصد» نامیده شده است زیرا هرگاه به ریشه فعل متصل شود قصد انجام گرفتن فعل را نشان می‌دهد. صیغه حالت قصده براي زمان آينده نيز استعمال می‌شود. اين میانوند تغيير دوگانه «الف» دارد : (- aḡâx / - âḡâx)

می‌خواهی بیایی (خواهی آمد)

می‌خواهید بفروشید (خواهید فروخت)

۷ - میانوند^۲

این میانوند در افعال شرطی بكار می‌رود و از تغيير دوگانه «الف» پيروي می‌کند (- sa / - sâ) بجز در اول شخص جمع زمان حال که همواره صورت دارد. - sâ

gal - sa - m ... اگر بیایم ...

sâl - sâ - m ... اگر بيفكنم ...

- a² - میانوند ۸

برای ساختن فعل حال انتزامی و گذشته رجایی انتزامی بکار می‌رود و از تغییر دوگانه «الف» پیروی می‌کند.

garak gal - a - m. باید بسایم

garak sât - â - m. باید بفروشم

هماهنگی مصوّتها در میانو ندها

۱- تغییر دو گانه

مصطفت برخی از میانو ندها تغییر دو گانه می کند که خود دو صورت دارد :
الف - تغییری که بر اثر پیشین یا پسین بودن مصوت قبل از میانو ند ایجاد می شود :

مانند lar / - lâr (علامت جمع در سوم شخص جمع)

ب - تغییری که بر اثر مدور یا غیر مدور بودن مصوت قبل از میانو ند بوجود آید :

مانند ix / - ux (پی بند اول شخص جمع)

۲- تغییر چهار گانه

این تغییر در حقیقت از تلفیق دو گونه فوق حاصل می شود ، یعنی بر حسب پیشین یا پسین یا مدور یا غیر مدور بودن مصوت قبل از میانو ند ، در صورت مصوت خود میانو ند تغییر حاصل می شود مانند

- ir / - ir / - ür / - ur

عناصر اشتقاقی فعل «بودن»

عناصر اشتقاقی فعل «بودن» در دو مورد بکار می‌روند:

- ۱- موردی که به فعل می‌پیوندند (و اصطلاح «پی‌بند» برای آنها در نظر گرفته شده است).
- ۲- موردی که به اسم یا صفت متصل می‌شوند.

۱- پی‌بندها

مفهوم از پی‌بندهای فعلی عناصری هستند که به ریشه فعل هی‌پیوندند و بمهنهایی هر کراسناد نمی‌سازند. این پی‌بندها:

- الف - شخص و عدد را مشخص می‌دارند.
- ب - برای زمان حال و زمان گذشته دو گونه مختلف دارند.
- ج - بیشترشان طبق قانون هماهنگی مصوتها گونه‌های دوگانه یا چهارگانه پیدا می‌کنند.

دارم می‌آیم

gal - ir - am. (ریشه) و ir - (میانوند کیفی استمراری) و am - (پی‌بند فعلی اول شخص مفرد زمان حال) است.

yâz - âr - ix. می‌نویسیم

yâz (ریشه) و âr - (میانوند کیفی تکرار و عادت) و ix - (پی‌بند فعلی اول شخص جمع) است.

الف - پی بندهای زمان حال

عدد		شخص
جمع	مفرد	
- ux / - ix	- am / - âm	اول شخص
- siz / - siz - süz / - suz	- San / - Sân	دوم شخص
lar / - lâr	(۱) ø	سوم شخص

۱- در برخی گویشها از جمله رضائیه و خوی، پی بند فعلی سوم شخص مفرد «۱» است که البته در همان گویش در سوم شخص جمع ظاهر نمی شود.

ب - پی بندهای زمان گذشته

عدد		شخص
جمع	مفرد	
- ux / - ix	- im / - im - üm / - um	اول شخص
- iz / - iz - üz / - uz	- in / - in - ün / - un	دوم شخص
- i + lar / - i - lâr - ü + lar / - u - lâr	- sin / - sin - sün / - sun	سوم شخص

جدول ویرثه صيغه امر

عدد		شخص
جمع	مفرد	
- âx	- im / - ım - üm / - um	اول شخص
- in / -ın - ün / - un	Ø	دوم شخص
-sin-lar / - sın - lâr -sün -lar / - sun - lâr	- sin / - sın - sün / - sun	سوم شخص

عناصر اشتقةaci فعل «بودن» در اتصال به غير فعل
(زمان حال)

عدد		شخص
جمع	مفرد	
- ix / - ux	- am / - âm	اول شخص
- siz / - siz - süz / - suz	- san - sâñ	دوم شخص
- di - lar / - dı - lâr - dü - lar / - du - lâr	- dı	سوم شخص

مقایسه عناصر اشتراقی فعل «بودن»
هنجام پیوستن به فعل یا غیر فعل

با مقایسه جدولهای عناصر اشتقاچی فعل «بودن» هنگامیکه به فعل متصل می‌شوند یا به غیر آن (اسم یا صفت) چنین برمی‌آید که:

۱ - در زمان حال - پی بند فعلی اول شخص و دوم شخص مفرد با صورت همین عناصر هنگامیکه به اسم یا صفت هی پیوند تفاوتی ندارد . پی بند فعلی سوم شخص مفرد و جمع « \emptyset = صفر » است اما در غیر فعل درسوم شخص مفرد « d_1 » است که هیچگاه تغییر نمی کند ولی درسوم شخص جمع تغییر چهارگانه دارد :

- di / - dı / - dü / - du

۳ - در زمان گذشته

صورت این عناصر هنگام اتصال به فعل یا غیر آن یکسان است بجز در سوم شخص جمع که هنگام اتصال به فعل بدون تغییر می‌ماند ولی وقتی به اسم یا صفت می‌پیوندد تابع تغییر چهارگانه است:

- i / - 1 / - ü / - u

نکته ۱ - عناصر اشتراقی فعل «بودن» در اتصال به فعل نماینده شخص و عدد هستند:

tut - ur - âm. میگیرم.

tut - u - sān. هیگیری

tut - ur. می گیرد

tut - ur - ux. ھی گیریم

tut - u - suz. هی گیرید

tut - ul - lâr. هی گیر ند

نکته ۲ - اما هنگامیکه این عناصر به اسم یا صفت هی پیو ندند علاوه بر تعیین شیخوص و عدد بمعنی، «ودن» نیز می باشند و سازنده اسناد هستند . همانند

. . diri - di. (زنده است) مردم () kişi - am.

در بارهٔ پی بند‌های فعلی در بخش صرف افعال هنالی‌ای کافی ذکر شده است و اکنون برای نشان دادن تغییرات عناصر اشتیاقی فعل «بودن» در پیوستن به غیر فعل هنالی ذکر می‌شود:

زمان حال

diri - am.	زنده‌ام
diri - san.	زنده‌ای
diri - di.	زنداد است
diri - ix.	زنده‌ایم
diri - siz.	زنده‌اید
diri - di - lar.	زنده‌اند
<hr/>	
diri - y(¹)-id - im.	زنده بودم
diri - y - id - in. / ^{en} /	زنده بودی
diri - y - id - i.	زنده بود
diri - y - id - ix.	زنده بودیم
diri - y - id - iz. / ^{iz} /	زنده بودید
diri - y - id - i - lar.	زنده بودند

۱- سیب افزوده شدن (۷) در دیگر «رسانه‌ها»^{۲۰} که به مصوبت ختم هیئت‌شورنده بیان شده است.

۱ - پی بندهای فعلی زمان حال

- پی بند فعلی اول شخص مفرد است و دارای تغییر دوگانه «الف» است :

- am / - âm

ged - ir - am. دارم می‌روم

dur - ur - âm. دارم بر می‌خیزم

- san / - sâñ - san² - پی بند فعلی دوم شخص مفرد است و دوگونه دارد (تغییر دوگانه «الف»)

ged - i' - san. داری می‌روم

dur - u - sâñ. داری بر می‌خیزی

۰ - صفرپی بند فعلی سوم شخص مفرد است ولی چنان‌چه قبلاً اشاره شد در گویش‌های رضائیه و خوی این پی بند بصورت ثابت «۱» است

$\left\{ \begin{array}{l} \text{ged} - \text{ir.} \\ \text{ged} - \text{ir} - \text{i} \end{array} \right.$	$\left\{ \begin{array}{l} \text{darad} \text{ می‌رود} \\ (\text{رضائیه و خوی}) \end{array} \right.$	$\left\{ \begin{array}{l} \text{vur} - \text{ur.} \\ \text{vur} - \text{ur} - \text{i} \end{array} \right.$	$\left\{ \begin{array}{l} \text{darad} \text{ می‌زند} \\ \text{گویش رضائیه و خوی.} \end{array} \right.$
---	---	---	---

- پی بند اول شخص جمع است و دارای تغییر دوگانه «ب» است :

- ix / - ux

ged - ir - ix. داریم می‌روم

dur - ur - ux. داریم بر می‌خیزیم

- r « در میانند » - پیش از پی بندهای دوم شخص مفرد و جمع

(san - siz) که با صامت شروع می‌شوند حذف می‌شود.

- پی بند دوم شخص جمع و دارای تغییر چهارگانه است :

- siz / - siz / - süz / - suz

ged - i - siz . دارید می روید

âl - ı - siz. دارید می خرید

gér - ü - süz. دارید می بینید

dur - u - suz. دارید بر می خیزید

- نشانه^۱ جمع در سوم شخص جمع است و تغییر دوگانه «الف» دارد :

(- lar / - lâr)

پی بند فعلی سوم شخص جمع در تمام گویشها صفر است .

ged - il(¹) - lar. دارند می روند .

dur - ul - lâr. دارند بر می خیزند .

۲ - پی بندهای فعلی زمان گذشته

- پی بند اول شخص هفرد زمان گذشته است و تابع تغییر چهارگانه است .

پی بند فعلی زمان حال^۲ - am^۲ - بود و قاعده‌تاً دو شکل از یک اصل هستند . سایر

پی بندهای زمان گذشته نیز با صور تهای زمان حال تفاوت زیادی ندارند .

۱ - « r » در میانووند^۴ ir^۴ - وقتی قبل از lar^۲ - نشانه سوم شخص جمع

قرار می گیرد ، بنا بر قاعدة تشابه اصوات (Assimilation) تبدیل به [l] می شود .

- im / - ɪm / - üm / - um

ged - ir - d(¹)- im.	داشتم می رفتم
âl - ɪr - d - ɪm.	داشتم می خریدم
gér - ür - d - üm.	داشتم می دیدم
dur - ur - d - um.	داشتم بر می خاستم

۱- پی بند دوم شخص مفرد است و تغییر چهار گانه دارد :

- in / - ɪn / - ün / - un

ged - ir - d - in.	داشتی می رفتی
âl - ɪr - d - ɪn.	داشتی می خریدی
gér - ür - d - ün.	داشتی می دیدی
dur - ur - d - un.	داشتی بر می خاستی

۲- پی بند سوم شخص مفرد و همواره ثابت است :

ged - ir - d - ɪ.	داشت می رفت
âl - ɪr - d - ɪ.	داشت می خرید
gér - ür - d - ɪ.	داشت می دید
dur - ur - d - ɪ.	داشت بر می خاست

۳- پی بند اول شخص جمع است و هشخفات و طرز استعمالش همانند زمان حال است که پیشتر بیان شد .

۴- پی بند دوم شخص جمع است و دارای تغییر چهار گانه است :

۱- d - نشانه زمان گذشته است .

- iz / - ɪz / - üz / - uz

ged - ir - d - iz. داشتید هی رفتید

âl - ɪr - d - ɪz. داشتید هی خریدید

gér - ür - d - üz. داشتید هی دیدید

dur - ur - d - uz. داشتید برمی خاستید

i⁴ - جزء اول یعنی « i - » پی بند سوم شخص جمع است که در مفرد هم وجود داشت، با این تفاوت که در زمان حال تغییر نمی کرد ولی در زمان گذشته تغییر چهار گانه می کند:

- i / - ɪ / - ü / - u

جزء دوم علامت جمع است که از تغییر دو گانه « الف » بیرونی می کند:

ged - ir - d - i - lar. داشتند هی رفتند

âl - ɪr - d - ɪ - lâr. داشتند هی خریدند

gér - ür - d - ü - lar. داشتند هی دیدند

dur - ur - d - u - lâr. داشتند برمی خاستند



زمان افعال

در ترکی تنها دوزمان وجود دارد :

زمان حال - زمان گذشته

و هر یک از این دو زمان نشانه‌ای ویرثه خود دارد که در صورت بی‌بندهای فعلی (مشتق از فعل «بودن») ظاهر می‌شود، و دیگر صورتهای زمانی بی‌آنکه از چهار چوب ساختمان دوزمان مذکور خارج شوند، براساس ارزش‌های کیفی مختلف در حدوث فعل (که هیانو ندها نماینده آنها هستند) ظاهر می‌گردند. به عبارت دیگر: اختلاف ارزش‌های کیفی بطور فرعی اختلافهای زمانی نیز ایجاد می‌گنند.

الف - زمان حال

ساختمان زمان حال

۱	ریشه	+	۲	میانوند	+	۳	نشانه زمان حال	+	۴	پی‌بندهای زمان حال	(۱)
---	------	---	---	---------	---	---	----------------	---	---	--------------------	-----

نشانه زمان حال

۰ - در برآبر نشانه زمان گذشته که d - یا id - است، برای زمان حال نشانه «صفر» انتخاب شده است .

(۱) - تنها ساختمان زمان حال کامل التزامی با فرمول بالا متفاوت است .

تقسیمات کیفی زمان حال

در ترکی تقسیمات زمان حال بر اساس کیفیت انجام گرفتن فعل قرار دارد ، زیرا ، اصل کیفیت انجام گرفتن فعل است که همچنانکه گذشت ، این عمل بوسیله میانوندهای کیفی که به ریشه فعل می پیوندد انجام میگیرد .

اقسام زمان حال

- ۱- زمان حال عادتی
- ۲- « استمراری
- ۳- « کامل
- ۴- « قصدی (آینده)
- ۵- « شرطی
- ۶- « التزامی
- ۷- « کامل التزامی

اکنون ساختمن افعال زمان حال و طرز استعمال آنها به قرار زیر مورد بررسی قرار می گیرد :

- ۱- جدول نمودار میانوند ها و بند های هر فعل ضمن صرف دو یا چهار فعل .
- ۲- فرمول فعل مورد گفتگو ، شرح و طرز استعمال آن با ذکر هشال .
- ۳- صرف چهار فعل مختلف ، بطوریکه تمام گونه های میانوند ها و تغییرات بی بند ها ظاهر شود .

نکته - نظر به اینکه تغییرات میانوندها و پسوندها بیش از چهار نوع نیست
بنابراین همه گونه‌های آنها ضمن صرف چهار فعل زیر می‌تواند ظاهر شود :

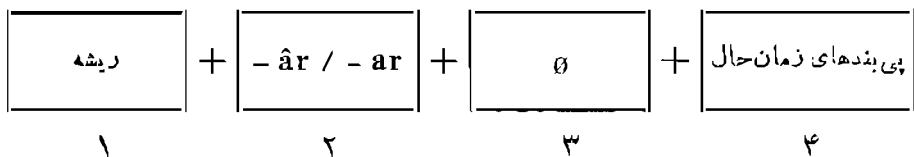
sáp - máx	پاشیدن
sát - máx	فروختن
gér - máx	دیدن
vur - máx	زدن

۱- زمان حال عادتی

ردیشه	میانوند	نشانه زمان حال	پی بند	
			مفرد	جمع
sap	(۱) ar	Ø	<u>a</u> m <u>sa</u> n Ø	<u>ix</u> <u>siz</u> lar
vur	âr	Ø	<u>â</u> m <u>sâ</u> n Ø	<u>ix</u> <u>siz</u> lär

۱- « r » در این میانوند قبل از پی بند های دوم شخص مفرد و جمع (san - siz) که با صامت شروع می شوند حذف هی شود و در سوم شخص جمع که پیش از ^۲- lar قرار می گیرد ، بنابراین به قاعده تشابه اصوات به « l » تبدیل می شود.

۱ - زمان حال عادتی



با افزودن $\text{- ar} / \text{- âr}$ - به ریشه فعل و آوردن پی‌بندهای زمان حال بعد از آن، فعل حال عادتی تشکیل می‌یابد که بر انجام گرفتن کلی و تکراری و عادی فعل در زمان حال یا آینده نزدیک دلالت می‌کند.

1 - Manim dostum har il yâydâ kanda ged - ar.

دوست هن هر سال در تابستان به دهکده می‌رود.

2 - San hammaša o gül-lar-dan âl - â - sân.

تو همیشه از آن گلها می‌خری.

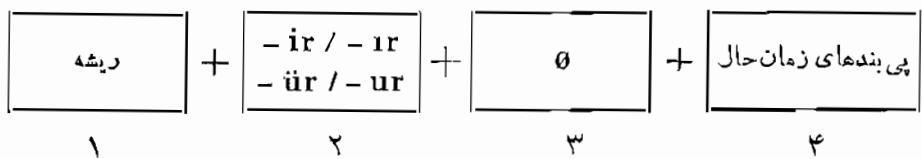
sap - ar - am.	می پاشم
sap - a - san.	می پاشی
sap - ar.	می پاشد
sap - ar - ix.	می پاشیم
sap - a - siz.	می پاشید
sap - al - lar.	می پاشند
sât - âr - âm.	می خرم
sât - â - sân.	می خری
sât - âr.	می خرد
sât - âr - ix.	می خریم
sât - â - siz.	می خرید
sât - âl - lâr.	می خرند
gér - ar - am.	می بیشم
gér - a - san.	می بیشی
gér - ar.	می بیند
gér - ar - ix.	می بیشمیم
gér - a - siz.	می بینید
gér - al - lar.	می بینند
vur - âr - âm.	می زنم
vur - â - sân.	می زنی
vur - âr.	می زند
vur - âr - ix.	می زنیم
vur - â - siz.	می زنید
vur - âl - lâr.	می زند

۳ - زمان حال استمراری

دیشه	میانو ند	نشانه زمان حال	پی بند	
			مفرد	جمع
sap	ir	Ø	<u>am</u> <u>san</u> Ø	<u>ix</u> <u>siz</u> lar
sât	ir	Ø	<u>âm</u> <u>san</u> Ø	<u>ix</u> <u>siz</u> lár
gér	ür	Ø	<u>am</u> <u>san</u> Ø	<u>ux</u> <u>süz</u> lar
vur	ur	Ø	<u>âm</u> <u>sân</u> Ø	<u>ux</u> <u>suz</u> lár

۴ - توضیح زیر جدول شماره ۱ (جدول زمان حال عادتی) در مورد این جدول نیز هعتبر است .

۳ - زمان حال استمراری



هنگامی که یکی از گونه های میانوئد ^۴ ir - به ریشه فعل متصل شود و پی بندهای فعلی زمان حال بعد از آن قرار بگیرد فعل حال استمراری ساخته می شود که به ادامه یافتن عملی در زمان حال یا آینده نزدیک دلالت من کند .

1- Gârdâşım indi kâyâz yâz - ir , sorâ gal - in.

برادرم دارد نامه می نویسد بعداً بیایید .

2- Gâč - ir - âm ki klâssâ yetiš - am.

دارم می دوم که به کلاس برسم .

دارم هی پاشم sap - ir - am.

sap - i - san.

sap - ir.

sap - ir - ix.

sap - i - siz.

sap - il - lar.

sât - ir - âm.

دارم هی فروشم

sât - i - sân.

sât - ir.

sât - ir - ix.

sât - i - siz.

sât - il - lâr.

gér - ür - am.

دارم هی بیشم

gér - ü - san.

gér - ür.

gér - ür - ux.

gér - ü - süz.

gér - ül - lar.

vur - ur - âm.

دارم هی زنم

vur - u - sân.

vur - ur.

vur - ur - ux.

vur - u - suz.

vur - ul - lâr.

۴ - زمان حال کامل
الف - اول شخص مفرد و جمع

ريشه	ميما نوند	نشانه زمان حال	پي بند	
			مفرد	جمع
sap	miš	θ	am	ix
sât	mîš	θ	âm	ix
gér	müš	θ	am	ux
vur	muš	θ	âm	ux

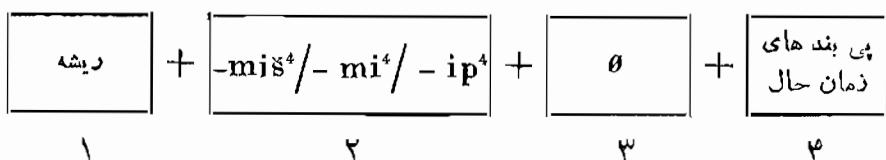
ب - دوم شخص مفرد و جمع

ريشه	ميما نوند	نشانه زمان حال	پي بند	
			مفرد	جمع
sap	mi	θ	san	siz
sât	mî	θ	sân	siz
gér	mü	θ	san	süz
vur	mu	θ	sân	suz

ج - سوم شخص مفرد و جمع

ريشه	ميما نوند	نشانه زمان حال	پي بند	
			مفرد	جمع
sap	ip	θ	θ	lar
sât	iþ	θ	θ	lár
gér	üþ	θ	θ	lar
vur	up	θ	θ	lár

۳ - زمان حال کامل



هنگامی که میانو نوندهای $miš^4$ - (برای اول شخص های مفرد و جمع) و mi^4 - (برای دوم شخص های مفرد و جمع) و ip^4 - (برای سوم شخص های مفرد و جمع) به ریشه فعل متصل شوند و پی‌بند‌های زمان حال پس از آنها قرار بگیرند ، فعل زمان حال کامل بدست می‌آید یعنی عملی که در زمان حال کاملاً انجام شده و پایان یافته است.

1- Man indi yol - dān yetiš - miš - am.

من تازه از راه رسیده ام .

2- Ahmad hala gal - mi^(۱) - ip.

احمد هنوز نیامده است .

۱ - mi - نشانه نفی است که در پخش خود مورد گفتگو قرار گرفته است .

پاشیده ام

sap - miš - am.

sap - mi - san.

sap - ip.

sap - miš - ix.

sap - mi - siz.

sap - ip - lar.

sât - miš - âm.

فروخته ام

sât - mi - sân.

sât - ip.

sât - miš - ix.

sât - mi - siz.

sât - ip - lâr.

gér - müš - am.

دیده ام

gér - mü - san.

gér - üp.

gér - müš - ux.

gér - mü - süz.

gér - üp - lar.

vur - muš - âm.

زده ام

vur - mu - sân.

vur - up.

vur - muš - ux.

vur - mu - suz.

vur - up - lâr.

۴ - زمان حال قصدی (آینده)

ربشة	میانو نونه	نشانه زمان حال	پی بند	
			مفرد	جمع
sap	a ^g âx ^(۱)	ø	<u>âm</u> <u>sân</u> ø	<u>ix</u> ^(۲) <u>siz</u> lär
vur	âgâx	ø	<u>âm</u> <u>sân</u> ø	<u>ix</u> <u>siz</u> lär

- ۱ - در اول شخص مفرد همواره (x) بجای (۲) بکار می رود .
 ۲ - درهورد اول شخص جمع در بیشتر گویشها این گونه ها را داریم :

- a^gi / - âgî

۴- زمان حال قصدی (آینده)

دیشه	- a <small>g̚</small> ^â x - â <small>g̚</small> ^â x	θ	پی بندهای زمان حال
۱	۲	۳	۴

همچنانکه در بخش « میانوند » ها گذشت ، میانوند ^۵ ag̚^âx ~ در اتصال به ریشه فعل ، قصد انجام دادن کاری را نشان می دهد . اگر علامت زمان گذشته (که بعد از کرمی شود) پس از این میانوند واقع نشود ، زمان حال قصدی ساخته می شود و اگر نشانه زمان گذشته بعد از آن قرار بگیرد زمان گذشته قصدی تشکیل می یابد . چون زمان حال قصدی ، قصد انجام دادن کاری را بیان می دارد می تواند در مرور آینده نیز بکار رود - اما زمان آینده نسبت به قصد انجام گرفتن فعل ، ارزشی است فرعی ، زیرا ناشی از قصد انجام دادن فعل است .

1- Hamid galan ây Ahvâzâ ged - ag̚^âx.

حمید می خواهد ماه آینده به اهواز برود . (خواهد رفت)

2- Man indi yât - âg̚^ây - âm.

من اکنون می خواهم بخوابم . (خواهم خوابید)

سی خواههم بپاشم (خواههم باشید)

sap - a᷇āy - âm.

sap - a᷇āx - sâñ.

sap - a᷇āx.

sap - a᷇i - ix.

sap - a᷇āx - siz.

sap - a᷇āx - lâr

sât - a᷇āy - âm.

هی خواههم بفروشم (خواههم فروخت)

sât - a᷇āx - sâñ.

sât - a᷇āx.

sât - a᷇i - ix.

sât - a᷇āx - siz.

sât - a᷇āx - lâr.

gér - a᷇āy - âm.

هی خواههم ببینم (خواههم دید)

gér - a᷇āx - sâñ.

gér - a᷇āx.

gér - a᷇i - ix.

gér - a᷇āx - siz.

gér - a᷇āx - lâr.

vur - a᷇āy - âm.

هی خواههم بزنم (خواههم زد)

vur - a᷇āx - sâñ.

vur - a᷇āx.

vur - a᷇i - ix.

vur - a᷇āx - siz.

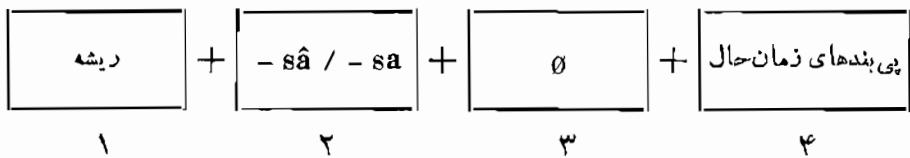
vur - a᷇āx - lâr.

۵ - زمان حال شرطی

ردیشه	میانوند	نشانه زمان حال	پی بند	
			مفرد	جمع
sap	(۱) sa	Ø	m n Ø	x z lar
vur	sâ	Ø	m n Ø	x z lár

۱- تنها در مورد اول شخص جمع همواره گوئه $sâ$ - بکار می رود .

۵ - زمان حال شرطی



با افزودن یکی از دو میانواره $sâ$ / $-sa$ - به دیشه فعل و آوردن پی‌بندهای فعلی زمان حال بعد از آن، فعل زمان حال شرطی ساخته می‌شود که جواب آن معمولاً با زمان حال عادتی بیان می‌شود . با این زمان « اگر » نیز بکار می‌رود .

۱ - Agar kitâbi ista - sa ver - ar - am.

اگر کتاب را بخواهد می‌دهم .

۲ - Agar tez get - sâ - x oni gér - ar - ix.

اگر زود برویم او را می‌بینیم .

(agar) sap - sa - m.

اگر پاشم

‘ sap - sa - n.

‘ sap - sa.

‘ sap - sâ - x.

‘ sap - sa - z.

‘ sap - sa - lar.

(agar) sât - sâ - m.

اگر بفروشم

‘ sât - sâ - n.

‘ sât - sâ.

‘ sât - sâ - x.

‘ sât - sâ - z.

‘ sât - sâ - lâr.

(agar) gér - sa - m.

اگر بینم

‘ gér - sa - n.

‘ gér - sa.

‘ gér - sâ - x.

‘ gér - sa - z.

‘ gér - sa - lar.

(agar) vur - sâ - m.

اگر بزنم

‘ vur - sâ - n.

‘ vur - sâ.

‘ vur - sâ - x.

‘ vur - sâ - z.

‘ vur - sâ - lâr.

٦- زمان حال التزامی

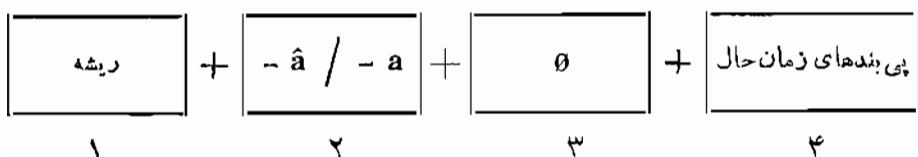
دريشه	ميآنوند	نشانه زمان حال	پي بند	
			مفرد	جمع
sap	a	ø	m san ø	x siz lar
vur	â	ø	m sân ø	x siz lár

۱- در اول شخص مفرد ، a^2 ، صوت آغازی پی بند ، حذف می شود .

در اول شخص جمع نیز صوت آغازی می افتداما در این مورد بجای a - همواره

â - بکار می رود .

٦ - زمان حال التزامی



از پیوستن میانوند **a** / **â** - به ریشه و در آمدن بی‌بندهای فعلی زمان حال بعد از آن ، زمان حال التزامی تشکیل می‌یابد. با این زمان « **garak** » (باید) بکار می‌رود .

این فعل انجام گرفتن کاری را با شک و تردید یا آرزو بیان می‌دارد و گاه در مورد اجبار نیز استعمال می‌شود .

1 - **Garak onun âtı - ni bü - gün gatir - am.**
باید اسب او را امروز بیاورم .

2 - **Garak sanin âtân o zëzi bil - a.**
باید پدر تو آن سخن را بداخند .

(garak) sap - a - m. باید پاشم

‘ sap - a - san.

‘ sap - a.

‘ sap - â - x.

‘ sap - a - siz.

‘ sap - a - lar.

(garak) sât - â - m. باید بفروشم

‘ sât - â - sân.

‘ sât - â.

‘ sât - â - x.

‘ sât - â - siz.

‘ sât - â - lâr.

(garak) gér - a - m. باید بینم

‘ gér - a - san.

‘ gér - a.

‘ gér - â - x.

‘ gér - a - siz.

‘ gér - a - lar.

(garak) vur - â - m. باید بزنم

‘ vur - â - sân.

‘ vur - â.

‘ vur - â - x.

‘ vur - â - siz.

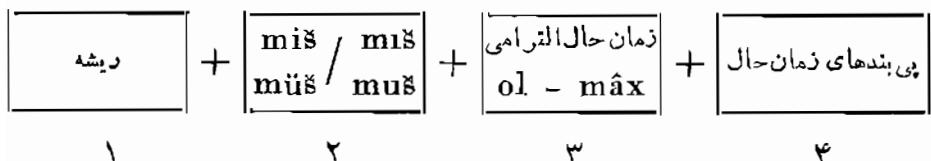
‘ vur - â - lâr.

٧ - زمان حال کامل التزامی

دیشه	هیاناوند	دیشه ol-mâx	هیاناوند	نشانه زمان حال	هی بند	
					مفرد	جمع
sap	miš	ol	â	ø	$\frac{m}{sân}$ ^(۱) ø	$\frac{x}{siz}$ $\frac{}{lär}$
sât	mis	ol	â	ø	$\frac{m}{sân}$ $\frac{}{ø}$	$\frac{x}{siz}$ $\frac{}{lär}$
gér	müs	ol	â	ø	$\frac{m}{sân}$ $\frac{}{ø}$	$\frac{x}{siz}$ $\frac{}{lar}$
vur	muš	ol	â	ø	$\frac{m}{sân}$ $\frac{}{ø}$	$\frac{x}{siz}$ $\frac{}{lär}$

۱ - مصوت های آغازی اول شخص های مفرد و جمع حذف می شود .

۷- زمان حال کامل التزامی



با افزودن هیاوند **miš⁴** - به ریشه فعل و آوردن صورت های زمان حال التزامی از مصدر **ol - māx** (شدن - بودن) در دنبال آن ، و پیوستن بی بندهای فعلی زمان حال بعد از آن ها ، زمان حال کامل التزامی تشکیل می یابد .
با این زمان **garak** (باید) نیز بکار می رود .

1- Garak indi gami - lar čāt - miš - ol - â - lâr.

باید حالاکشته ها رسیده باشند .

2- Garak sâât yetti da iš - im - i gutâr - miš - ol - â - m.

باید در ساعت هفت کارم را تمام کرده باشم .

(garak) sap - miš - ol - â - m. باید پاشیده باشم.

‘ sap - miš - ol - â - sâñ.

‘ sap - miš - ol - â.

‘ sap - miš - ol - â - x.

‘ sap - miš - ol - â - siz.

‘ sap - miš - ol - â - lâr.

(garak) sât - miš - ol - â - m. باید فروخته باشم.

‘ sât - miš - ol - â - sâñ.

‘ sât - miš - ol - â.

‘ sât - miš - ol - â - x.

‘ sât - miš - ol - â - siz.

‘ sât - miš - ol - â - lâr.

(garak) gér - müš - ol - â - m. باید دیده باشم.

‘ gér - müš - ol - â - sâñ.

‘ gér - müš - ol - â.

‘ gér - müš - ol - â - x.

‘ gér - müš - ol - â - siz.

‘ gér - müš - ol - â - lâr.

(garak) vur - muš - ol - â - m. باید زده باشم.

‘ vur - muš - ol - â - sâñ.

‘ vur - muš - ol - â.

‘ vur - muš - ol - â - x.

‘ vur - muš - ol - â - siz.

‘ vur - muš - ol - â - lâr.

ب - زمان گذشته

زمان گذشته به عملی که در گذشته انجام شده یا قصد انجام دادن آن در میان بوده است دلالت می کند.

مر

ساختهای زمان گذشته

(۱)	ردیشه	+	میانوند	+	نشانه زمان گذشته	+	پی بندهای زمان گذشته
۱		۲		۳		۴	

نشانه زمان گذشته

نشانه زمان گذشته « d - » یا « d ۱ - » است که بعد از میانوند کیفی قرار می گیرد، و آنچه که میانوند وجود نداشته باشد مستقیماً به ریشه فعل هی پیوندد.

(۱) - تنها فرمول زمان گذشته ساده و گذشته کامل التزامی با ساختهای بالا کمی فرق دارد.

تقسیمات کیفی زمان گذشته

اقسام زمان های گذشته از این قرار است :

- ۱ - زمان گذشته ساده .
- ۲ - » « عادتی .
- ۳ - » « استمراری .
- ۴ - » « کامل .
- ۵ - » « وصیی .
- ۶ - » « شرطی .
- ۷ - » « التزامی .
- ۸ - » « کامل التزامی .

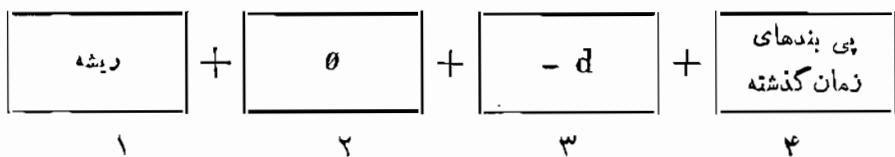
۱ - زمان‌گذشته ساده

ريشه	ميـاـنـونـد	نشـانـهـ زـمانـ حـال	پـيـ بـند	
			مفرد	جمع
sap	θ	d	<u>im</u> <u>in</u> i	<u>ix</u> <u>iz</u> i-lar
sât	θ	d	<u>im</u> <u>in</u> i	<u>ix</u> <u>iz</u> i-lâr
gér	θ	d	<u>üm</u> <u>ün</u> i	<u>ux</u> <u>üz</u> ü-lar
vur	θ	d	<u>um</u> <u>un</u> i	<u>ux</u> <u>uz</u> u-lâr

* - پـيـ بـندـ سـومـ شـخـصـ مـفـرـدـ درـ تـامـ موـارـدـ گـوـنـهـ ۱ - دـارـدـ وـايـ درـ سـومـ شـخـصـ

جمع تغيير چهارگانه مـيـ كـنـدـ .

۱ - زمان گذشته ساده



از پیوستن مستقیم d - (نشانه زمان گذشته) به ریشه فعل و آوردن پی بند های فعلی زمان گذشته بعد از آن ، زمان گذشته ساده تشکیل می یابد که بر انجام گرفتن کاری در گذشته و تمام شدن زمان آن دلالت می کند .
گذشته ساده تنها زمان گذشته ای است که بدون میانوzone کیفی ساخته می شود .

1- *Biz gečan il Tehrânâ gal - d - ix.*

ما سال گذشته به تهران آمدیم .

2- *Man dünan bu sözi de - d - im.*

من دیروز این سخن را گفتم .

پاشیدم sap - d - im.

sap - d - in.

sap - d - i

sap - d - ix.

sap - d - iz.

sap - d - i - lar.

sât - d - um.

فروختم.

sât - d - un.

sât - d - i.

sât - d - ix.

sât - d - iz.

sât - d - i - lâr.

گér - d - üm.

دیدم.

gér - d - ün.

gér - d - i.

gér - d - ux.

gér - d - üz.

gér - d - ü - lar.

vur - d - um.

زدم.

vur - d - un.

vur - d - i.

vur - d - ux.

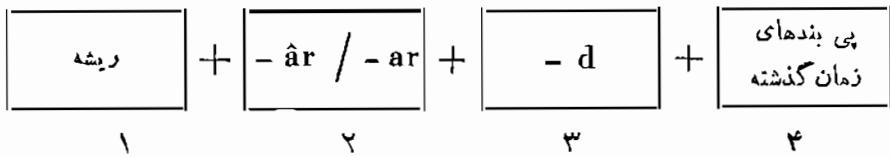
vur - d - uz.

vur - d - u - lâr.

۲ - زمان گندشتۀ عادتی

ريشه	ميما نوند	نشانه زمان حال	هي بند	
			مفرد	جمع
sap	ar	d	im in I	ix iz i-lar
vur	âr	d	um un u	ix iz u-lâr

۲ - زمان گذشته عادتی



با افزودن یکی از میان بندهای - ar / - âr - به ریشه فعل و آوردن نشانه زمان گذشته بعد از آن و اتصال پی بند های فعلی زمان گذشته به دنبال آنها ، زمان گذشته عادتی تشکیل می یابد که به انجام گرفتن کاری بطور عادتی دلالت می کند .

1- Manim âtâm har il yâydâ kanda ged - ar - d - ı.

پدرم هر سال در تاستان به ده کده می رفت .

2- San hammša o gül - lar - dan âl - âr - d - ın.

تو همواره از آن گل ها می خریدی .

sap - ar - d - im.

می پاشیدم.

sap - ar - d - in.

sap - ar - d - i.

sap - ar - d - ix.

sap - ar - d - iz.

sap - ar - d - i - lar.

sât - âr - d - im.

می فروختم.

sât - âr - d - in.

sât - âr - d - i.

sât - âr - d - ix.

sât - âr - d - iz.

sât - âr - d - i - lâr.

gér - ar - d - im.

می دیدم.

gér - ar - d - in.

gér - ar - d - i.

gér - ar - d - ix.

gér - ar - d - iz.

gér - ar - d - i - lar.

vur - âr - d - im.

می زدم.

vur - âr - d - in.

vur - âr - d - i.

vur - âr - d - ix.

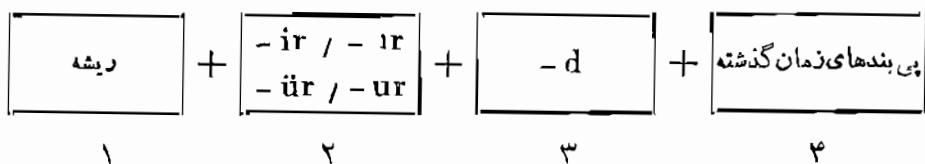
vur - âr - d - iz.

vur - âr - d - i - lâr.

۳ - زمان گذشته استمر اری

ربشه	میانو ند	نشانه زمان گذشته	پی بند	
			فرد	جمع
sap	ir	d	<u>im</u> <u>i n</u> i	<u>ix</u> <u>iz</u> i-lar
sât	ir	d	<u>im</u> <u>i n</u> i	<u>ix</u> <u>iz</u> i-lâr
gér	ür	d	<u>üm</u> <u>ü n</u> i	<u>ux</u> <u>üz</u> ü - lar
vur	ur	d	<u>um</u> <u>un</u> i	<u>ux</u> <u>uz</u> u - lâr

۳ - زمان گذشته استمراری



زمان گذشته استمراری به انجام گرفتن کاری در زمان گذشته به صورت مداوم دلالت می‌کند.

1- San gal - an - da Ânâm iš gér - ür - dı.

وقتی تو آمدی مادرم کار می‌کرد.

2- Kâyâz yâz - ir - d - ım ki siz zetiş - d - iz.

کاغذ می نوشتم که شما رسیدید.

sap - ir - d - im. داشتم می پاشیدم.

sap - ir - d - in.

sap - ir - d - i.

sap - ir - d - ix.

sap - ir - d - iz.

sap - ir - d - i - lar.

sât - ır - d - ım. داشتم می فروختم.

sât - ır - d - ın.

sât - ır - d - ı.

sât - ır - d - ix.

sât - ır - d - iz.

sât - ır - d - i - lâr.

gér - ür - d - üm. داشتم می دیدم.

gér - ür - d - ün.

gér - ür - d - i.

gér - ür - d - ux.

gér - ür - d - üz.

gér - ür - d - ü - lar.

vur - ur - d - um. داشتم می زدم.

vur - ur - d - un.

vur - ur - d - i.

vur - ur - d - ux.

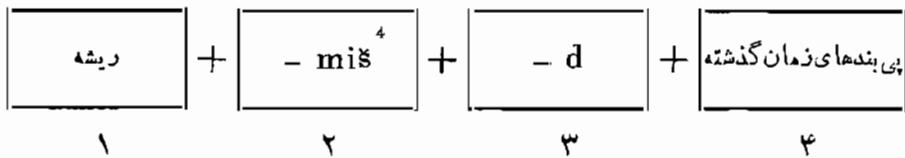
vur - ur - d - uz.

vur - ur - d - u - lâr.

۴ - زمان گذشته کامل (ماضی بعید)

ریشه	میانوند	نشانه زمان گذشته	های پسند	
			فرد	جمع
sap	miš	d	im in ı	ix iz i-lar
sât	mis	d	ım ın ı	ıx ız ı-lär
gér	müs	d	üm ün ı	ux üz ü-lar
vur	muš	d	um un ı	ux uz u-lär

۴ - زمان گذشته کامل (ماضی بعید)



در ساخته‌ان زمان گذشته کامل بساز دیگر نقش می‌انوندهای کیفی که فرعاً اختلاف‌های زمانی ایجاد می‌کنند ظاهر می‌شود.

گذشته کامل با همان علامت^(۱) زمانی و پی‌بند فعلی^(۲) ساخته می‌شود که مثلاً گذشته استمراری ساخته می‌شود. بنا براین قاعده‌تاً باید هردو همزمان باشند، اما چون می‌انوند کیفی « miš^۴ - » به عملی کامل دلالت می‌کند و می‌انوند ir^۴ - ادامه‌ فعل را نشان می‌دهد از این رو گذشته‌ای که با « miš^۴ - » بنا می‌شود نسبت به گذشته‌های دیگر نمایندهٔ پرداختگی است.

به عبارت دیگر چون گذشته کامل بر عملی که در زمان گذشته به پایان رسیده اشاره می‌کند و گذشته استمراری عملی را که در گذشته ادامه داشته است نشان می‌دهد، بدین سبب می‌توان گفت که زمان وقوع گذشته کامل نسبت به گذشته استمراری دور تر و قدیم تر است.

۱ - یعنی (d) نشانه زمان گذشته.

۲ - پی‌بندهای فعلی زمان گذشته.

sap - miš - d - im. پاشیده بودم

sap - miš - d - in.

sap - miš - d - i.

sap - miš - d - ix.

sap - miš - d - iz.

sap - miš - d - i - lar.

sât - miš - d - im.

فروخته بودم

sât - miš - d - in.

sât - miš - d - i.

sât - miš - d - ix.

sât - miš - d - iz.

sât - miš - d - i - lâr.

gér - müš - d - üm.

دیله بودم

gér - müš - d - ün.

gér - müš - d - i.

gér - müš - d - ix.

gér - müš - d - üz.

gér - müš - d - ü - lar.

vur - muš - d - um.

زده بودم

vur - muš - d - un.

vur - muš - d - i.

vur - muš - d - ux.

vur - muš - d - uz.

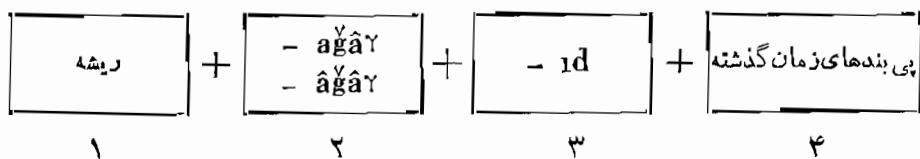
vur - muš - d - u - lâr.

۵ - زمان گذشتهٔ قصدى

دريشه	ميابونند	نشانه زمان گذشته	پي بند	
			مفرد	جمع
sap	a᷇g᷇a᷇	id	im in i	ix iz i-lar
vur	â᷇g᷇a᷇	id	im in i	ix iz i-lar

- نکتهٔ ۱ - در اين صيغه ييش از يك گونه از هر يك از پي بند ها نمی آيد زيرا مصوت قبلی (a) در a᷇g᷇a᷇ - غيرقابل تغيير است .
- نکتهٔ ۲ - در زمان حال قصدى ميابوند كيفي قصد تنها در وورد اول شخص مفرد ، گونه a᷇g᷇a᷇ - دارد ، اما در زمان گذشته برای تمام اشخاص چنین است .
- نکتهٔ ۳ - در زمان گذشتهٔ قصدى نشانه زمان d - نیست بلکه id - است كه پيوسته ثابت مى هاند .

۵ - زمان گذشته قصدى



- agây / - âgây به همچنان که در زمان حال قصدى اشاره شد پیوستن میانوند کيفی / - âgây به ریشه فعل ، قصد انجام دادن کاری را بیان می دارد و افروزن نشانه زمان گذشته و آوردن پی بندهای زمان گذشته بعد از آن ، زمان گذشته قصدى تشکیل می دهد.

1- Dünan âtı sât - âgây - id - im.

دیروز می خواستم اسب را بفروشم .

2- Geçen hafta Dostum burâ gal - agây - id - i.

هفتة گذشته دوستم می خواست به اینجا بیاید .

می خواستم بپاشم
sap - a^gâγ - 1d - 1m.

sap - a^gâγ - 1d - 1n.

sap - a^gâγ - 1d - 1.

sap - a^gâγ - 1d - 1x.

sap - a^gâγ - 1d - 1z.

sap - a^gâγ - 1d - 1 - lâr.

می خواستم بفروشم
sât - âgâγ - 1d - 1m.

sât - âgâγ - 1d - 1n.

sât - âgâγ - 1d - 1.

sât - âgâγ - 1d - 1x.

sât - âgâγ - 1d - 1z.

sât - âgâγ - 1d - 1 - lâr.

می خواستم بینم
gér - a^gâγ - 1d - 1m.

gér - a^gâγ - 1d - 1n.

gér - a^gâγ - 1d - 1.

gér - a^gâγ - 1d - 1x.

gér - a^gâγ - 1d - 1z.

gér - a^gâγ - 1d - 1 - lar.

می خواستم بزنم
vur - âgâγ - 1d - 1m.

vur - âgâγ - 1d - 1n.

vur - âgâγ - 1d - 1.

vur - a^gâγ - 1d - 1x.

vur - a^gâγ - 1d - 1z.

vur - a^gâγ - 1d - 1 - lâr.

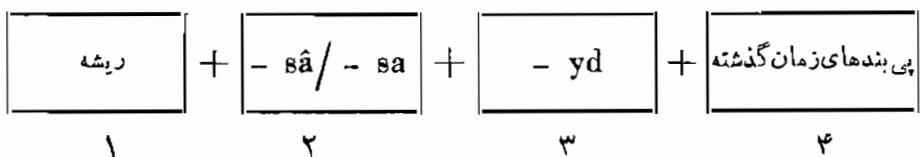
۶- زمان گذشته شرطی

ریشه	میا نوند	نشانه زمان گذشته	پی بند	
			مفرد	جمع
sap	sa ^(۱)	yd	<u>im</u> <u>in</u> i	<u>ix</u> <u>iz</u> i-lar
vur	sâ	yd	<u>im</u> <u>in</u> i	<u>ix</u> <u>iz</u> i-lâr

نکته ۱ - چون میا نوند $sa - / sâ -$ از تغییر دو گانه «الف» پیروی هی کند پی بند های فعلی که تغییر چهار گانه دارند و پس از $sa - sâ -$ می آیند نیز عملاً دو صورت بیشتر نخواهند داشت . به «همین دلیل یی بند اول شخص جمع نیز که از تغییر دو گانه «ب» پیروی می کند تنها یک گونه دارد .

نکته ۲ - نظر به این که «i» آغازی در نشانه گذشته id^2 - پس از مصوت a و $â$ کد در sa^2 - هست قرار می گیرد ، تبدیل به «y» می شود .

۶ - زمان گذشته شرطی



با پیوستن میاوند $- \text{sa} / \text{sâ}$ - به ریشه فعل و افرودن نشانه‌گذشته و آوردن بی‌بند‌های فعلی زمان گذشته بعد از آن ، زمان گذشته شرطی تشکیل می‌یابد که جواب آن معمولاً با گذشته عادتی بیان می‌شود .
کلمه «اگر» نیز در این مورد بکار می‌رود .

1- Agar oni tâp - sâ - yd - ım pulı ver - ar - d - ım.

اگر او را می‌یافتم پول را می‌دادم .

2- Agar sahar get - sa - yd - iz gatârâ yetiš - ar - d - iz.

اگر صبح می‌رفتید به قطار می‌رسیدید ،

- (agar) sap - sa - yd - im. اگر می پاشیدم
- ‘ sap - sa - yd - in.
 - ‘ sap - sa - yd - i.
 - ‘ sap - sa - yd - ix.
 - ‘ sap - sa - yd - iz.
 - ‘ sap - sa - yd - i - lar.
-

- (agar) sât - sâ - yd - im. اگر می فروختم
- ‘ sât - sâ - yd - in.
 - ‘ sât - sâ - yd - i.
 - ‘ sât - sâ - yd - ix.
 - ‘ sât - sâ - yd - iz.
 - ‘ sât - sâ - yd - i - lâr.
-

- (agar) gér - sa - yd - im. اگر می دیلدم
- ‘ gér - sa - yd - in.
 - ‘ gér - sa - yd - i.
 - ‘ gér - sa - yd - ix.
 - ‘ gér - sa - yd - iz.
 - ‘ gér - sa - yd - i - lâr.
-

- (agar) vur - sâ - yd - im. اگر می زدم
- ‘ vur - sâ - yd - in.
 - ‘ vur - sâ - yd - i.
 - ‘ vur - sâ - yd - ix.
 - ‘ vur - sâ - yd - iz.
 - ‘ vur - sâ - yd - i - lâr.

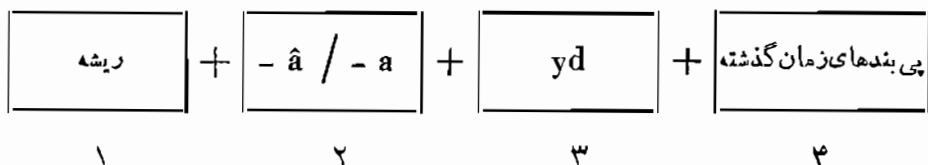
۷ - زمان گذشتهٔ التزامی رجایی

ردیشه	میانوند	نشانه زمان گذشته	پی بند	
			فرد	جمع
sap	a	yd ^(۱)	<u>i</u> m <u>i</u> n i	<u>i</u> x <u>i</u> z i-lar
vur	â	yd	<u>i</u> m <u>i</u> n i	<u>i</u> x <u>i</u> z i-lâr

۱ - « i » مصوت آغازی زمان گذشته، هنگامی که میانوند التزامی پیش از

آن قرار می‌گیرد تبدیل به « y » می‌شود .

۷ - گذشته التزامی رجایی



گذشته التزامی رجایی با افزودن یکی از میانودهای $- \hat{a}$ / $- a$ - به ریشه آوردن نشانه زمان گذشته (yd -) بعد از آن و پیوستن صورت‌های کامل بی‌بندهای زمان گذشته در آخر ، تشکیل می‌شود .

این فعل در مورد اجبار یا آرزوی تحقق نیافته در زمان گذشته بکار می‌رود . جواب این زمان معمولاً با گذشته التزامی رجایی بیان می‌شود .

با این فعل نیز « garak » بکار می‌رود .

1- garak tez gal - a - yd - iz ki

mâşin get - mi - a - yd - i.

باید زود می‌آمدید که ماشین حرکت نمی‌کرد .

2- garak buydâ - lâr - i eva geytar - a yd - ix.

باید گندم ها را به خانه بر می‌گرداندیم .

(garak) sap - a - yd - im . باید پاشیده باشم

‘ sap - a - yd - in .

‘ sap - a - yd - i .

‘ sap - a - yd - ix .

‘ sap - a - yd - iz .

‘ sap - a - yd - i - lar .

(garak)sât - â - yd - im . باید فروخته باشم

‘ sât - â - yd - in .

‘ sât - â - yd - i .

‘ sât - â - yd - ix .

‘ sât - â - yd - iz .

‘ sât - â - yd - i - lâr .

(garak) gér - a - yd - im . باید دیده باشم

‘ gér - a - yd - in .

‘ gér - a - yd - i .

‘ gér - a - yd - ix .

‘ gér - a - yd - iz .

‘ gér - a - yd - i - lar .

(garak) vur - â - yd - im . باید زده باشم

‘ vur - â - yd - in .

‘ vur - â - yd - i .

‘ vur - â - yd - ix .

‘ vur - â - yd - iz .

‘ vur - â - yd - i - lâr .

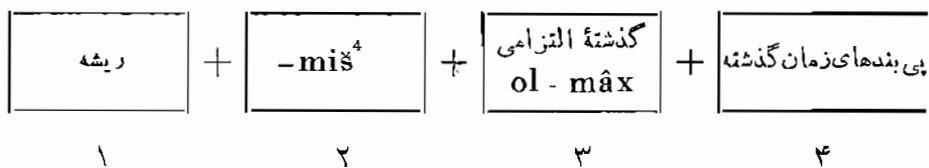
۸ - گذشته کامل التزامی

دیشه	میانوند	میانوند	دیشه ol-mâx	نشانه زمان گذشته	پی بند	
					فرد	جمع
sap	miš	ol	â ^(۱)	yd	<u>im</u> <u>in</u> <u>ı</u>	<u>ix</u> <u>iz</u> <u>ı-lar</u>
sât	mîš	ol	â	yd	<u>im</u> <u>in</u> <u>ı</u>	<u>ix</u> <u>iz</u> <u>ı-lâr</u>
gér	müš	ol	â	yd	<u>im</u> <u>in</u> <u>ı</u>	<u>ix</u> <u>iz</u> <u>ı-lar</u>
vur	muš	ol	â	yd	<u>im</u> <u>in</u> <u>ı</u>	<u>ix</u> <u>iz</u> <u>ı-lâr</u>

نکته ۱ - چون میانوند ^۲-a در دنبال « ol » قرار می گیرد، در گذشته کامل التزامی تنها گونه â دارد.

نکته ۲ - با توجه به نکته ۱ پی بند های فعلی (فرد و جمع) هم تنها یک صورت خواهند داشت زیرا بعد از â - قرار می گیرند.

۸ - گذشتهٔ کامل التزامی



با افزودن میانویس **-miš^۴** - به ریشهٔ فعل و آوردن گذشتهٔ التزامی **ol - māx** (شدن - بودن) بعد از آن، گذشتهٔ کامل التزامی تشکیل می‌یابد که در مورد اجراء آرزوی تحقق نیافته در زمان گذشته دور بکار می‌رود .
کلمه « **garak** » (باید) نیز با این زمان استعمال می‌شود .

۱- **Garak bu sëzi bunnân gâbâx gân - miš - ol - â - yd - iz.**
باید این سخن را پیش از این فهمیده بوده باشد .

۲- **Garak ustâd de - ma - miš kitâbi âl - miš - ol - â - yd - i - lâr.**
باید پیش از آنکه استاد گفته باشد کتاب را خریده بوده باشد .

(garak) sap - miš - ol - â - yd - ım . باید پاشیده بوده باشم .

› sap - miš - ol - â - yd - ın .

› sap - miš - ol - â - yd - ı .

› sap - miš - ol - â - yd - ix .

› sap - miš - ol - â - yd - iz .

› sap - miš - ol - â - yd - ı - lâr .

(garak) sât - miš - ol - â - yd - ım . باید فروخته بوده باشم .

› sât - miš - ol - â - yd - ın .

› sât - miš - ol - â - yd - ı .

› sât - miš - ol - â - yd - ix .

› sât - miš - ol - â - yd - iz .

› sât - miš - ol - â - yd - ı - lâr .

(garak) gér - müš - ol - â - yd - ım . باید دیده بوده باشم .

› gér - müš - ol - â - yd - ın .

› gér - müš - ol - â - yd - ı .

› gér - müš - ol - â - yd - ix .

› gér - müš - ol - â - yd - iz .

› gér - müš - ol - â - yd - ı - lâr .

(garak) vur - muš - ol - â - yd - ım . باید زده بوده باشم .

› vur - muš - ol - â - yd - ın .

› vur - muš - ol - â - yd - ı .

› vur - muš - ol - â - yd - ix .

› vur - muš - ol - â - yd - iz .

› vur - muš - ol - â - yd - ı - lâr .

صيغه امر

ريشه	پي بند	
	مفرد	جمع
sap	<u>im</u> <u>θ</u> <u>sin</u>	<u>âx</u> <u>in</u> <u>sin-lar</u>
sât	<u>im</u> <u>θ</u> <u>sin</u>	<u>âx</u> <u>in</u> <u>sin-lâr</u>
gér	<u>üm</u> <u>θ</u> <u>sün</u>	<u>âx</u> <u>ün</u> <u>sün-lar</u>
vur	<u>um</u> <u>θ</u> <u>sun</u>	<u>âx</u> <u>un</u> <u>sun-lâr</u>

☆ در دوم شخص مفرد پي بند وجود ندارد .

☆ پي بند اول شخص مفرد im^4 - است . پي بند اول شخص جمع $âx$ - است

كه هيچگاه تغيير نمی کند . پي بند دوم شخص جمع in^1 - است .

پي بند سوم شخص مفرد sin^4 - و سوم شخص جمع sin^9 - و سوم شخص جمع sin^4 - lar^2 - است .

صیغه امر

با پیوستن پی بند های ویژه امر به ریشه فعل ، صیغه امر ساخته می شود .
امر تنها صیغه ای است که با پیوستن هستقیم پی بند ها به ریشه تشکیل می یابد (۱) .
تمام مشخصات پی بند ها در جدول صیغه امر ذکر شده است . در این صیغه تغییرات
پی بند ها بیش از سایر موارد است .

1- Gâš, yoxsâ gatârâ čât - mâ - sân.

بدو ، و گرنده به قطار نمی رسی .

2- Čâlhş - sîn, bu iš Čox Čatin - dî.

بکوشد ، این کار بسیار دشوار است .

۱- دوم شخص مفرد امر حاضر فاقد پی بند است .

سپاشرم . sap - im.

sap.

سپاشرم . sap - sin.

سپاشرم . sap - âx.

سپاشرم . sap - in.

سپاشرم . sap - sin - lar.

سپرورشم . sât - um.

sât.

سپرورشم . sât - sin.

سپرورشم . sât - âx.

سپرورشم . sât - in.

سپرورشم . sât - sin - lâr.

سینم . gér - üm.

gér.

سینم . gér - sün.

سینم . gér - âx.

سینم . gér - ün.

سینم . gér - sün - lar.

زئم . vur - um.

vur.

زئم . vur - sun.

زئم . vur - âx.

زئم . vur - un.

زئم . vur - sun - lâr.

متعددی کردن افعال متعددی

با میانو ند^۴ - می توان بیشتر افعال متعددی را دوباره به صورت متعددی در آورد . به این مفهوم که کسی ، دیگری را به انجام دادن کاری وا دارد .

sil - mâx پاک کردن

sil - dir - mâx وادر نمودن به پاک کردن

âl - mâx گرفتن (خریدن)

âl - dir - mâx وادر کردن به گرفتن

düz - mâx چیدن (مرتب کردن)

düz - där - mâx وادر کردن به چیدن

gur - mâx کوک کردن (چادر زدن)

gur - dur - mâx وادر نمودن به کوک کردن

« مثال «

1- Bâg - im al - in - i sil - d - i.

خواهرم دستش را پاک کرد .

2- Bâg - im miz - i sil - dir - d - i.

خواهرم وادر نمود هیز را پاک کردند .

قواعد متعددی کردن افعال

نکتهٔ ۱ - بطوری که گذشت برای متعددی کردن افعال میانوند dir^4 - به ریشهٔ فعل می پیوندد اما افعال لازم یا متعددی دو هجایی که به مصوت ختم شوند هجای میانوند dir^4 - با t متعددی می شوند :

$\text{ari} - \text{mâx}$	ذوب شدن	لازم
---------------------------	---------	------

$\text{ari} - t - \text{mâx}$	ذوب کردن	متعددی
-------------------------------	----------	--------

$\text{guru} - \text{mâx}$	خشک شدن	لازم
----------------------------	---------	------

$\text{guru} - t - \text{mâx}$	خشک کردن	متعددی
--------------------------------	----------	--------

نکتهٔ ۲ - افعال متعددی یک هجایی که به مصوت تمام شده باشند با همان میانوند dir^4 - متعددی می شوند :

$\text{gi} - \text{mâx}$	پوشیدن	متعددی
--------------------------	--------	--------

$\text{gi} - \text{dir} - \text{mâx}$	پوشاندن	متعددی
---------------------------------------	---------	--------

$\text{ye} - \text{mâx}$	خوردن	متعددی
--------------------------	-------	--------

$\text{ye} - \text{dir} - \text{mâx}$	خوراندن	متعددی
---------------------------------------	---------	--------

نکتهٔ ۳ - افعال لازم دو هجایی که هجای دوم آنها مختوم به « r » باشد (با یک مصوت پیش از آن) هنگام متعددی شدن به آخر شان « t » اضافه می شود :

$\text{gizâr} - \text{mâx}$	سرخ شدن	لازم
-----------------------------	---------	------

$\text{gizâr} - t - \text{mâx}$	سرخ کردن	متعددی
---------------------------------	----------	--------

$\text{otur} - \text{mâx}$	نشستن	لازم
----------------------------	-------	------

$\text{otur} - t - \text{mâx}$	نشاندن	متعددی
--------------------------------	--------	--------

نکتهٔ ۴ - افعال لازم دو هجایی که به « n » ختم می‌شوند (با یک صوت بلا فاصله پیش از آن‌ها) نیز با « t » متعددی‌می‌شوند ولی در این هنگام « n » حذف می‌شود:

gizlan - mâx	مخفى شدن	لازم
gizla - t - mâx	مخفى کردن	متعددی

islân - mâx	خیس شدن	لازم
islâ - t - mâx	خیس کردن	متعددی

نکتهٔ ۵ - ولی افعال متعددی دو هجایی مختوم به « n » با همان میانوند ^۴ dir - دوباره متعددی‌می‌شوند :

düşün - mâx	فهمیدن	متعددی
düşün - dür - mâx	فهماندن	متعددی
bayan - mâx	پسندیدن	متعددی
bayan - dir - mâx	وادار کردن به پسندیدن	متعددی

نکتهٔ ۶ - افعال لازم یک هجایی مختوم به « n » با همان میانوند ^۴ dir - متعددی‌می‌شوند :

yân - mâx	سوختن	لازم
yân - dir - mâx	سوزاندن	متعددی
yen - mâx	فرو آمدن	لازم
yen - dir - mâx	فرو آوردن	متعددی

متعددی دو درجه ای

برخی از افعال دو بار متعددی می‌شوند . این قبیل افعال ممکن است لازم باشند یا متعددی . در این صورت یک فعل لازم دو دفعه متعددی می‌شود و یک فعل متعددی به سه میان مرحله متعددی می‌رسد . برای تشکیل متعددی نوبت اول ⁴ dit - و نوبت دوم میانوند ⁴ dir - بسکار می‌رود :

از فعل لازم	<i>gaz - māx</i>	گردیدن
	<i>gaz - dir - māx</i>	گرداندن
	<i>gaz - dit - dir - māx</i>	کسی، دیگری را وادار به گردیدن دیگری کند .
از فعل متعددی	<i>âl - māx</i>	گرفتن
	<i>âl - dir - māx</i>	به گرفتن و داشتن
	<i>âl - dit - dir - māx</i>	کسی، دیگری را به گرفتن چیزی توسط دیگری وادار کند .

« مثال »

سیمین در باغ گردید (گردش کرد) « لازم »

1- Simin bâγ - dâ gaz - d - i.

سیمین کودک را در باغ گردانید . (متعددی درجه اول)

2- Simin ušâγ - i bâγ - dâ gaz - dir - d - i.

3- Simin ušây - ı bây - dâ gaz - dit - dir - d - ı.

سیمین و ادار کرد که کودک را در باغ بگرداند . (متعددی درجه دوم)



1- Hamid Kitâb - ı âl - d - ı.

حمید کتاب را خرید . (متعددی درجه اول)

2- Hamid Kitâb - ı âl - dir - d - ı.

حمید « دیگران یا دیگران » را و ادار به خریدن کتاب کرد . (متعددی درجه دوم)

3- Hamid Kitâb - ı âl - dit - dir - d - ı.

حمید « دیگران یا دیگران » را و ادار کرد که « دیگران یا دیگران » را و ادار به خریدن کتاب کنند . (متعددی درجه سوم)

فعل مجهول

برای بنای فعل مجهول هیانو ند **ił⁴** - بلا فاصله بعد از ریشه فعل و پیش از سایر هیانوند ها و پی بند فعلی قرار می گیرد .

- il / - ıl / - ül / - ul

- il - ۱

dar - māx چیدن (مصدر معلوم)

dar - il - māx چیده شدن (مصدر مجهول)

- ıl - ۲

âč - māx باز کردن (مصدر معلوم)

âč - ıl - māx باز شدن (مصدر مجهول)

- ül - ۳

tēk - māx ریختن (مصدر معلوم)

tēk - ül - māx ریخته شدن (مصدر مجهول)

- ul - ۴

bur - māx پیچیدن (مصدر معلوم)

bur - ul - māx پیچیده شدن (مصدر مجهول)

«مثال»

1- O gâpi âgšâm âč - ıl - d - ı.

آن در هنگام غروب باز شد .

2- Gâlin sim tez bur - ul - d - ı.

سیم قطور زود پیچیده شد .

نکته - برای مجهول کردن افعالی که به « ۱ » پایان می یابند هیانو ند ^۴ - in - به ریشه فعل می پیوندد :

- in / - in / - ün / - un

- in -۱

bil - māx دانستن (مصدر معلوم)

bil - in - māx دانسته شدن (مصدر مجهول)

- in -۲

Čâl - māx نواختن (مصدر معلوم)

Čâl - in - māx نواخته شدن (مصدر مجهول)

- ün -۳

bēl - māx تقسیم کردن (مصدر معلوم)

bēl - ün - māx تقسیم شدن (مصدر مجهول)

- un -۴

yol - māx رنده کردن (مصدر معلوم)

yol - un - māx رنده شدن (مصدر مجهول)

نکته - غالباً از افعال یک بخشی می توان به شیوه یاد شده در بالا، فعل مجهول
 بنا کرد . مثال :

Orâ torpâx tæk - ül - d - ۱.

به آنجا خاک ریخته شد

Âlmâ - lâr sât - u - d - ۱ - lâr.

سبیب ها فروخته شدند .

Taza dën gi - il - d - i.

پیراهن نو پوشیده شد.

Miz - in üsti sil - in - d - i.

روی میز پاک کرده شد.

گاه برخی از افعال دو بخشی نیز به صورت مجهول استعمال می شوند:

At govur - ul - d - i.

گوشت سرخ کرده شد.

اشتقاق مصدر

بیشتر افعال بسیط در زبان ترکی، از اصل ترکی است، اما از اسم یا صفت با افزودن عواملی مصدرهای مرکب ساخته می‌شود که ممکن است اصل کلمه ترکی، فارسی یا عربی باشد. هر چند که از زبان‌های فارسی و عربی لغات و ترکیبات بسیار وارد زبان ترکی شده است اما اینگونه کلمات بیشتر اسم یا صفت هستند نه فعل.

۱ - تشکیل مصدر از اسم

با افزودن « - la / - lâ » به آخر اسم و آوردن نشانه مصدر (mâx) بعد از آن، مصدر مرکب تشکیل می‌شود. ممکن است آن کلمه ترکی، فارسی یا عربی باشد.
الف - تشکیل مصدر از اسم‌های ترکی

yol - lâ - mâx	فرستادن
od - lâ - mâx	آتش زدن
atak - la - mâx	دامن زدن
damir - la - mâx	آهنگویی کردن

« از اعضای بدن »

bâş - lâ - mâx	آغاز کردن
gëz - la - mâx	مراقبت کردن
âyâx - lâ - mâx	لگد کردن

ب - تشکیل مصدر از اسم های فارسی

âzâr - lâ - mâx	آزردن
azbar - la - mâx	از برکردن
parçâ - lâ - mâx	بخش کردن

ج - تشکیل مصدر از اسم های عربی

hisâb - lâ - mâx	بر شمردن
tâmâm - lâ - mâx	پایان دادن
ayib - la - mâx	بد شمردن

۴ - تشکیل مصدر از صفت (نوع نخست)

با افزودن « - la / - lâ » به آخر صفات ترکی ، فارسی یا عربی مصدر افعال متعدد ساخته می شود :

الف - تشکیل مصدر از صفات ترکی

beyük - la - mâx	بزرگ کردن
gözal - la - mâx	زیبا کردن
yâxşı - lâ - mâx	خوب کردن

ب - تشکیل مصدر از صفات فارسی

taza - la - mâx	تازه کردن
âsân - lâ - mâx	آسان کردن
këhna - la - mâx	کهنه کردن

ج - تشکیل مصدر از صفات عربی

xafif - la - mâx	خوار کردن
müsgül - la - mâx	دشوار کردن
mayüb - la - mâx	معیوب کردن

تشکیل مصدر از صفت (نوع دوم)

با افروden « al / - âl - به آخر برخی صفات ترکی یا فارسی ، مصدر افعال لازم تشکیل می یابد .

düz - al - mâx	راست (و درست) شدن
âz - âl - mâx	کم شدن
boš - âl - mâx	حالی شدن
këhna (۱) - l - mâx	کهنه شدن
taza - l - mâx	تازه شدن

تشکیل مصدر از رنگ ها

برای تشکیل مصدر افعال لازم از رنگ ها ، به آخر کلمه « ar / - âr - با پسوند al افزوده می شود .

ây - âr - mâx	سفید شدن
gëv(۲) - ar - mâx	سبز شدن
sâr - âl(۳) - mâx	زرد شدن

- « a » در këhna و taza به سبب مجاورت با پسوند al - که با صوت آغاز می شود ، می افتد .

- اصل این کلمه gëy است به معنی سبز .

- سبب تبدیل r به l در پسوند âr پیش تر بیان شده است .

مصدرهای مرکب

در ترکی به کمک افعال ساده گوناگون، می‌توان افعال هر کب تشکیل داد.
بیشتر افعالی که به کمک آن‌ها فعل هر کب ساخته می‌شود افعالی با همان معنی در زبان فارسی هستند، حتی می‌توان گفت که اینگونه افعال نزدیک افعال فارسی هی باشند.

این ترتیب محققان از هنگامی که کلمات فارسی در ترکی نفوذ یافته و سبب گسترش دامنه لغوی زبان ترکی شده است مورد استعمال پیدا کرده است.
اکنون پس از بیان چند مثال، به برخی از افعال که در تشکیل فعل هر کب بکار می‌روند اشاره می‌شود:

oruğ - tut - mâx روزه « گرفتن »

tut - mâx گرفتن

bâş - vur - mâx سر « زدن » مراجعت کردن

vur - mâx زدن

yol - tâp - mâx راه « یافتن »

tâp - mâx یافتن

gëz - tik - mâx چشم « دوختن »

tik - mâx دوختن

مهمنترین افعالی که در ترکی آذربايجانی و اسلامبولی برای تشکیل افعال مرکب بکار می‌روند **mâx - ed - mâx - ela** و **ela - mâx** هر دو به معنی کردن و انجام دادن هستند. در ترکی آذربايجانی **ela - mâx** عمومی ترین فعل برای ساختن فعل مرکب است و **ed - mâx** در گفتار کنونی بندرت بکار می‌رود.

از مصدرهای زیر برای ساختن مصدر مرکب بیشتر استفاده می‌شود :

ver - mâx	دادن	tâp - mâx	یافتن
vur - mâx	زدن	ela - mâx	کردن
ista - mâx	خواستن	ol - mâx	شدن
tut - mâx	گرفتن	goy - mâx	گذاشتن
gér - mâx	دیدن	de - mâx	گفتن

تشکیل مصدر مرکب با « ela - mâx »

۱ - از کلمات ترکی

الف - از اسم

këlga - ela - mâx	سایه کردن
âgşâm - ela - mâx	غروب کردن
këmak - ela - mâx	یاری کردن

ب - از صفت

yâzıx - ela - mâx	بیچاره کردن
çatin - ela - mâx	دشوار کردن
uğuz - ela - mâx	ارزان کردن

۲ - از کلمات فارسی

الف - از اسم

şitâb - ela - mâx	شتاب کردن
günâh - ela - mâx	گناه کردن
rang - ela - mâx	رنگ کردن

ب - از صفت

şirin - ela - mâx	شیرین کردن
şâd - ela - mâx	شاد کردن
âgâh - ela - mâx	آگاه کردن

ج - از مصدر مرخم

xarid - ela - mâx	خرید کردن
nešast - ela - mâx	نشست کردن
güzašt - ela - mâx	گذشت کردن

۳ - از کلمات عربی

الف - از اسم

tahsin - ela - mâx	تحسین کردن
isrâf - ela - mâx	اسراف کردن
tanazzül - ela - mâx	تنزل کردن

ب - از صفت

mühim - ela - mâx	مهم کردن
mağbur - ela - mâx	ناگزیر کردن
âlim - ela - mâx	عالیم کردن

نفي افعال

برای منفی کردن فعل ، میانوند $mâ$ / - ma - بعد از ریشه فعل قرار می‌گیرد :

dar - $miš$ - am . چیزه ام

dar - ma - $miš$ - am . نچیزه ام

$gâš$ - d - im . دویدم

$gâš$ - $mâ$ - d - im . ندوید

نکته ۱ - پیش از میانوند کیفی که با مصوتی آغاز شده باشد ، مصوت میانوند

نفي حذف می شود :

$Bayan$ - ir - am . هی پسندم

$Bayan$ - m - ir - am . نمی پسندم

$Bâšâr$ - $âr$ - $âm$. بدم

$Bâšâr$ - m - $âr$ - $âm$. بله نیستم

نکته ۲ - میانوند نفي در صیغه های حال و گذشته قصدی و حال و گذشته

التزامی گونه $- mi$ / - mi - دارد :

حال قصدی	gi - $ağây$ - $âm$.	می خواهم پوشم (خواهم پوشید)
	gi - mi - $ağây$ - $âm$.	نمی خواهم پوشم (نخواهم پوشید)
گذشته قصدی	gi - $ağây$ - id - im .	می خواستم پوشم.
	gi - mi - $ağây$ - id - im .	نمی خواستم پوشم.
حال قصدی	$âtil$ - $ağây$ - $âm$.	می خواهم برم (خواهم پرید)
	$âtil$ - mi - $ağây$ - $âm$.	نمی خواهم برم (نخواهم پرید)

حال التزامي	garak bâriš - â - sân.	باید آشتبانی کنی
	garak bâriš - mî - â - sân.	باید آشتبانی نکنی
گذشته التزامي	garak bâriš - â - yd - in.	باید آشتبانی می کردی.
	garak bâriš - mî - â - yd - in.	باید آشتبانی نمی کردی.
حال التزامي	garak - bil - a - san.	باید بدانی
	garak - bil - mi - a - san.	باید ندانی
نکته ۳ - میانووند «عادتی» در زمان گذشته منفی گونه az^2 - دارد و		
	Bič - ar - d - im.	درومی کردم
	Bič - m - az - d - im.	درونمی کردم
	otur - âr - d - ix.	می نشستیم
	otur - m - âz - d - ix.	نمی نشستیم

☆ ☆ ☆

صرف تمام زمان‌ها به صورت منفی برای اول شخص هفرداز مصدر **dar-mâx** (چیدن):

۱ - زمان حال

dar - m - ar - am.	نمی چینم (عادتی)
dar - m - ir - am.	نمی چینم (استمراری)
dar - ma - miš - am.	نچیده ام (کامل)
dar - mi - aḡây - âm.	نمی خواهم بچینم (قصدی)
agar ḍar - ma - sa - m.	اگر نچینم (شرطی)
garak dar - mi - am.	باید نچینم (التزاماً)
garak dar - ma - miš - ol - âm.	باید نچیده باشم (کامل التزاماً)

۴ - زمان گذشته

dar - ma - d - im.	نچیدم (ساده)
dar - m - az - d - im.	نمی چیدم (عادتی)
dar - m - ir - d - im.	نمی چیدم (استمراری)
dar - ma - miš - d - im.	نچیده بودم (کامل)
dar - mi - aɣâz - id - im.	نمی خواستم بچینم (قصدی)
agar dar - ma - sa - yd - im.	اگر نمی چیدم (شرطی)
garak dar - mi - a - yd - im.	باید نمی چیدم (التزامی)
garak dar - ma - miš - ol - â - dy - im.	باید نچیده بوده باشم (کامل التزامی)

« مثال »

1- Biz o čay - â yetiš - ma - miš - ix.

ما به آن رورخانه نرسیده‌ایم .

2- San geg gal - ma - d - in.

تو دیر نیامدی .

نفی صیغه امر (فعل نهی)

صیغه امر با دومیاوند mi^4 - و ma^2 - منفی هی شود :

- ✿ اول شخص مفرد و جمع دوم شخص جمع با $-mi / -m\imath / -m\ddot{u} / -mu$
- ✿ دوم شخص و سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع با $-ma / -m\hat{a}$ - منفی هی شوند :

✿ پی بند سوم شخص مفرد و جمع که در صیغه امر از تغییر چهار گانه پیروی می کرد ، در نهی تغییر دو گانه دارد : $-sin / -s\imath n$

sap - mi - im. نپاشم

sap - ma. نپاشد (مپاشد)

sap - ma - sin.

sap - mi - âx.

sap - mi - in.

sap - ma - sin - lar.

sât - mi - im. نفروشم

sât - mâ. نفروش (مفروش)

sât - mâ - sin.

sât - mi - âx.

sât - mi - in.

sât - mâ - sin - lâr.

gēr - mü - üm.

فیتم

gēr - ma.

نبین (هبین)

gēr - ma - sin.

gēr - mi - âx.

gēr - mü - ün.

gēr - ma - sin - lar.

vur - mu - um.

قرنم

vur - mâ.

قرن (هزن)

vur - mâ - sin.

vur - mu - âx.

vur - mu - un.

vur - mâ - sin - lâr.

استفهامی افعال

افعال ترکی آذربایجانی با ادوات مخصوص پرسشی نمی‌شوند و برای سؤالی کردن افعال آهنگ سخن به تدریج بالا می‌رود و کشیده‌هی شود و به ویژه برروی بُنی بندھای فملی این کشش فزونی هی‌یابد .
در ترکی اسلامبولی و گاه فققازی و همچنین در برخی اشعار و نوشته‌های ادبی در ترکی آذربایجانی *mi* / - *mi* - در آخر فعل آورده‌می‌شود :

Ak - *miš* - *din* , *mi* ? آیا کاشته بودی ؟

Bâx - *i* - *sân* , *mi* ? آیا نگاه می‌کنی ؟

فهرست کلمات ترکی این کتاب با ترجمه فارسی آن ها (۱)

iš	کار	ât	اسب
il	سال	ây	ماه
bu-gün	امروز	âgşâm	غروب
biz	ها	ânâ	مادر
bu	این	âtâ	پدر
buγdâ	گندم	âlmâ	سبب
burâ	اینجا	at	گوشت
bâğı	خواهر	ev	خانه
torpâx	حاش	onı	اورا
tez	زود	orâ	آنجا
çox	بسیار	onun	مال او
çatin	دشوار	uşâx	بچه
çây	رود	indi	اکون

۱- در این فهرست ، افعال قرار داده نشده اند زیرا در بعضی بعد ضمن فهرستی از ۲۰۰۰ فعل متدالول ترکی با ترجمه فارسی آن ها ، افعال مستعمل در این کتاب نیز قراردارند . همچنین آن دسته از کلمات که معانی آن ها در مقابلشان ذکر شده در این فهرست نیاذه است .

gami	کشتی	dostum	دوستم
geçan	گذشته	dünan	دیروز
gâbâx	پیش	da	در
gâpı	در	d��n	لباس
g��lin	قطور	san	تو
ge��	دیر	sor��	بعداً
manim	مال من	sanin	مال تو
hala	هنوز	siz	شما
y��y	تابستان	sahar	صبح
yol	راه	kanda	به ده کده
yetti	هفت	g��rd��s	برادر
yoxs��	و گرنه	galan	آینده

فهرست پاره‌ای از افعال متداول ترکی
و افعالی که در این کتاب بکار رفته‌اند با ترجمه
فارسی آن‌ها

فهرست پاره‌ای از افعال متداول ترکی

(A)

ala - mâx	سرنده کردن
ak - ‘	کاشتن
an - ‘	فروود آمدن
ari - ‘	ذوب شدن
as - ‘	وزیدن
askit - ‘	کاستن
az - ‘	خُرد کردن

(E)

ela - mâx	انجام دادن
eşit - ‘	شنیدن
ed - ‘	انجام دادن

(É)

ël - mâx	هُردن
ëp - ‘	بوسیدن
ërt - ‘	به سر کشیدن
ërgaş - ‘	فراگرفتن
ësgür - ‘	سرفه کردن

(Â)

âl - mâx	گرفتن - خریدن
âç - ‘	باز کردن
âyıl - ‘	پیدار شدن
âyır - ‘	جدا کردن
ât - ‘	افکنندن
âtil - ‘	پریدن
âx - ‘	جاری شدن
âxdâr - ‘	جستجو کردن
âz - ‘	گم شدن
âpâr - ‘	بردن
ârit - ‘	پاک کردن
âllât - ‘	فریب دادن
ânnâ - ‘	فهمیدن
âyrı - ‘	درد کردن
âs - ‘	آویختن
ârt - ‘	زیاد شدن

(B)

bâšâr - mâx	توانستن
bil - ‘	دانستن
bič - ‘	دروکردن
bël - ‘	تقسیم کردن
bük - ‘	تاکردن - بستن
baza - ‘	آراستن
bâriš - ‘	آشته کردن
bât - ‘	فرو رفتن
bâs - ‘	فروکردن - فشردن
bâtîr - ‘	فروکردن - آلودن
boγ - ‘	خفه کردن
bur - ‘	پیچاندن
bayan - ‘	پسندیدن
buyur - ‘	فرمودن
bâyîr - ‘	فریاد زدن
bulâ - ‘	آلودن

(P)

pišir - mâx	پختن
pëšla - ‘	آب پز کردن
parttâ - ‘	ترکیدن

(O)

ol -	mâx	شدن
oγurrâ - ‘		دزدیدن
otur - ‘		نشستن
oynâ - ‘		بازی کردن
oxu - ‘		خواندن
oyân - ‘		بیدار شدن

(U)		
utân -	mâx	شرهنده شدن
uč - ‘		پرواز کردن
uduz - ‘		باختن
ulâ - ‘		نالیدن
ut -	- ‘	بردن - بلعیدن
uzân - ‘		دراز کشیدن
üz - ‘		شنا کردن

(I)		
iliš -	mâx	درآ ویختن
it - ‘		گم شدن
irgan - ‘		مشهّر شدن
islât - ‘		خیس کردن
išta - ‘		خواستن
itala - ‘		فشار آوردن
inan - ‘		باور کردن

čim	-	mâx	آب‌تنی کردن
čıyıır	-	«	فرباد زدن
čürü	-	«	پوسیدن
čât	-	«	رسیدن
čeyna			جویدن

(D)

dâd	-	mâx	چشیدن
dar	-	«	چیدن
düz	-	«	منظم کردن
dol	-	«	پرشدن
deš	-	«	سوراخ کردن
dëy	-	«	زدن (کتک)
doy	-	«	سیر شدن
dur	-	«	برخاستن
düš	-	«	افتادن
de	-	«	گفتن
dârıx	-	«	دلتنگ شدن
dâyııl	-	«	پراکنده شدن
dal	-	«	سوراخ کردن
dolân	-	«	گشتن - گردش کردن
day	-	«	اصابت کردن
düšün-	-	«	فهمیدن

(T)

tarpaş	-	mâx	تکان خوردن
tâx	-	«	داخل و وصل کردن
tâpşır-	-	«	سپردن
tâp	-	«	یافتن
tâlâ	-	«	غارا تکردن
tëk	-	«	بریختن
tut	-	«	گرفتن
toxu	-	«	باختن
tâni	-	«	شناختن
tix	-	«	دوختن
tutuš-	-	«	زعاع کردن
tükan-	-	«	تمام شدن
tolâ	-	«	فریب دادن

(Č)

čâlış	-	mâx	کوشیدن
čën	-	«	برگشتن - پشت کردن
čak	-	«	کشیدن
čıx	-	«	خارج شدن
čâp	-	«	ناختن
čakın	-	«	پرهیز کردن
čâl	-	«	زدن - نواختن
čâyıır	-	«	نامیدن - صدا زدن

sëyla - ‘	بيان کردن	döv - mâx	زايدن
soyu - mâx	سرد شدن	dânnâ - ‘	سرذش کردن
sürt - ‘	هاليدن	dâm - ‘	چكيمدن
sâxlâ - ‘	نگهداشتن	dâš - ‘	لبريزشدن-سررفتن
sâvâš - ‘	هزاع کردن	dân - ‘	انکار کردن
sëv - ‘	دوست داشتن	diskin- ‘	پريiden - آرسيدن
sây - ‘	دوشیدن	dolâ - ‘	پيچيدن
sëy - ‘	دشنام دادن	dârâ - ‘	شانه زدن
soruš - ‘	پرسيدن	dëz - ‘	تحمل کردن
sëk - ‘	شکافتن	dövrâ - ‘	خرد کردن
sol - ‘	پژمردن	deyin - ‘	غرولنده کردن
soy - ‘	پوست کندن	dëša - ‘	فرش کردن
sëyüñ - ‘	شاد شدن	dîrmâš- ‘	چنگكزدن
sox - ‘	فرو کردن	(S)	
sïn - ‘	شكستن	sâl - mâx	افکندن
sari - ‘	مسخره کردن	sât - ‘	فroxختن
(F)		sây - ‘	شمردن
fîrrân-mâx	چرخيدن	sap - ‘	باشيدن
(K)		sâtâš - ‘	سربرس گذاشتمن
kas - mâx	بُريiden	sil - ‘	پاک کردن
küs - ‘	قهر کردن	sür - ‘	راندن
		süpür- ‘	جاروب کردن

gülaš - máx	کُشنى گرفتن
gozâ - ‘	بلند کردن
gâriş - ‘	مخلوط شدن
geč - ‘	خاموش شدن
gâzân - ‘	دخلو کسب کردن
guri - ‘	خشک شدن
gov - ‘	بیرون کردن
gîzdîr - ‘	تب کردن
gob - ‘	کنده شدن
gîzâr - ‘	سرخ شدن
gîr - ‘	بُریدن
gorx - ‘	ترسیدن
gâz - ‘	کندن
gëndar - ‘	فرستادن
gaz - ‘	گردش کردن
goš - ‘	بسن (اسب)
gûd - ‘	درگمین بودن
govur - ‘	سرخ کردن
gus - ‘	قى کردن

(M)

min - máx	سوار شدن
mis - ‘	قهر کردن

(G)		
gâlâ - max	اباشتن	
gîr - ‘	وارد شدن	
gân - ‘	فهيميدن	
gâşı - ‘	خاراندن	
gîşgîr - ‘	فرياد زدن	
gûl - ‘	خندیدن	
gal - ‘	آمدن	
gâtir - ‘	آوردن	
gâl - ‘	ماندن	
gîzlan - ‘	مخفي شدن	
goy - ‘	گذاردن	
get - ‘	رقن	
geyit - ‘	برگشتن	
gâş - ‘	دويدن	
gamir - ‘	يدن دان کشیدن	
gi - ‘	پوشيدن	
gêvar - ‘	رويدن	
gutâr - ‘	تمام کردن	
geyna - ‘	جوشيدن	
geyir - ‘	درست کردن	
gûl - ‘	بجا آوردن	
gërsat - ‘	نشان دادن	

yubâñ - «	مُهْطَل شدن	(V)
yân - «	سوختن	دادن
yâp - «	هالیدن	زدن
yârâ - «	آفریدن	(H)
yârâš - «	هتناسب بودن	تاییدن
ye - «	خوردن	پریلن
yor - «	خسته کردن	عووکردن
yâpis - «	چسبیدن	(Y)
yen - «	فرواد آمدن	رسیدن
yu - «	شستن	مالیدن
yây - «	باریدن	افتادن
yâlvâr - «	التماس کردن	پاره کردن
yon - «	رنده کردن	لیسیدن
yîy - «	جمع کردن	خواهیدن
yây - «	مالیدن	زیستن

« پایان »

VERB STRUCTURE IN TURKISH

A LINGUISTIC SURVEY

BY

Dr. NADER VAZIN POUR

Tehran Iran

1969

All Rights Reserved